

### ۹. کودتای سوم اسفند:

همه بعراوهای و تشنجهات سیاسی که در دو سه مبعث بش دیدیم الاخره با علم شدن کودتای سوم اسفند که پشتیبانی همان فرافهای مورد انتظار (۱) صورت گرفت ظاهراً



رضاخان میرزا بقی

سکونی یافت. و فردای آن روز سرهنگ باقر خان (که امروز بنیک اندیش معروف است) از طرف هبات عامل کودتا بحضور شاه رفت تا مطالب آنها را بعرض

(۱) میزانه.

ضمن پیانات سرهنگ باقر خان عبارت بیست که میرساند فکر اتحاد شکل فشون در  
مخابله عالی کودتا نیز موجود بوده است و آن جمله این است: «  
دما خود را برای سرکوبی باغبان و دشمنان شاه و دولت حاضر کرده ایم و آماده  
ایم که فشون منظمه تشکیل دهیم». «بخصوص که می ینیم هیات عامل کودتا اختبار  
قوای نامیمه ابران را مدست خود گرفته و فراخوانه برپاست رضا خان میر بهج و د  
که روز سوم اسفند لقب سردار بجهی بافت و ربابست زاندار مری هم بهازور علی خان  
رباضی واگذار شد (مرحوم سرتکر رباضی) دایین هر دوازده ناصر اصلی کودتا وده.

۱۰ - برای تکمیل مرکزی جزء دیوار یا اون فراز میشود:

چون کودنا صورت گرفت بـه صیاغه‌الدین طباطبائی و میس وزیر دستور رداد  
بـه پیش از وزارت‌دها و ادارات دولتی متوجه شود و در تغییر این دستور لندنیک  
آنها را منحل نمود تا با سازمان و تشکیلات دیگری افتتاح شوند از آن حمله و رارت  
جنک بود که در روز ۱۵ آسمه موج اعلانی که وزیر جنک کابینه بـه صیاغه‌الدین  
بنی مأذور مسعود خان (اسنا: امروزی داشتگاه) در شهر منتشر نگرد منحل آگردید  
و برای تجدید افتتاح آن فرار شد که بـه تشكیل شود و ترتیبات لازم را بـهدا  
چون شرح سازمان‌های ارتش در این کتاب مورد بحث و گفتگوی مأبتد از  
ذکر چربیات تجدید تشكیل وزارت جنک و سازمان آلت ذکرخواهی کشمکش خدر  
باید دانست که وزارت جنک درباره تشكیل شد و مأذور مسعود خان هم با وزیر جنک  
بود و در همان کمیسیونی که بـه اشاره کردیم تصمیم دیگری هم انعقاد گردید که  
برای تاریخ ما حائز اهمت است و آن چیز بود که برگلاد مرکزی جراء عناصر  
مشکله دبوبزیون فزان گردد.

این نخستین فدمی بود که مد از آنمه اشتفتکرها! دوباره سرای بک کاپ کردن  
غواص نامبیه ایران برداشت شد.

۱۱ - یک ابهام تاریخی:

کاپیته سید خسرو الدین در دهه آخر اسفند لایحه‌ای دائر بر استفاده ام ۴۰۰ ای  
مستشار خارجی به مجلس برد که از آن میان عده‌ای هم بشرح زیر رای نظام بودند:  
«بگذفر افسر هالی رتبه سوئدی که اولاً دارای درجه سرهنگی باشد با ۲۴ نفر  
افسر سوئدی که دارای درجات مختلف نظامی باشند و با تنظر وزارتین داخله و جنگ  
در درجات آنها، از مملکت سویه برای تشکیلات اداره زاندارمری و فرار شد  
مذاکرات دورباره این موضوع بوسیله آفای علاوه وزیر خثار ایران در دربار اسپانیا

۱- شرح این جلسه شرفبایی را که بسیار جالب نویجه و خوانده بیست آفای مسکی در کتاب کودنای خود قل کرده است رجوع شود با آن کتاب از ص ۱۱۴ تا ص ۱۱۵.

صورت گیرد و سید ضباء الدین هم ملی نظری که در مجلس ضیافت شب هشتم جول (فروز دین) ۱۳۰۰، بس از انتشار اعلامیه الناء فرار داد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس ایراد نموداين تصمیم کایننه خودرا منه کرشد و گفت: «از دولت خود دولت و تدریخواست خواهیم کرد برای تشکیلات زاندارمری ایران که عامل درجه اول استقرار امنیت و انتظامات داخله است و مبانی سعادات مادی، اقتصادی، اداری و مالی مملکت بر روی این مؤسسه استوار است عده ای از صاحبمنصبان دلیر و توانای خود را که وحیله تسلیم و تنظیم تشکیلات را بر مهده خواهند داشت اعزام دارد»<sup>(۱)</sup>

این موضوع برای ما بیک ابهام تاریخی است که در باره آن نمیتوانیم قضاوی کنیم چه در اینکه کایننه سید ضباء الدین بدستیاری و کارگردانی عمال انگلیسی روی کار آمد تا مبانی مصالح آنها را که در این اوآخر برانم بخش و قائم و تشنجات متزلزل شده بود، تعکیم کند و بازیک و قیاده دیگری بیانات ایشان صورت رانجیت دهد، شکر نداریم. بنابر این تصویمانی را که این کایننه اتخاذ پیکرد قدمها را بود که بر جای بای انگلیسیها گذاشته میشد.

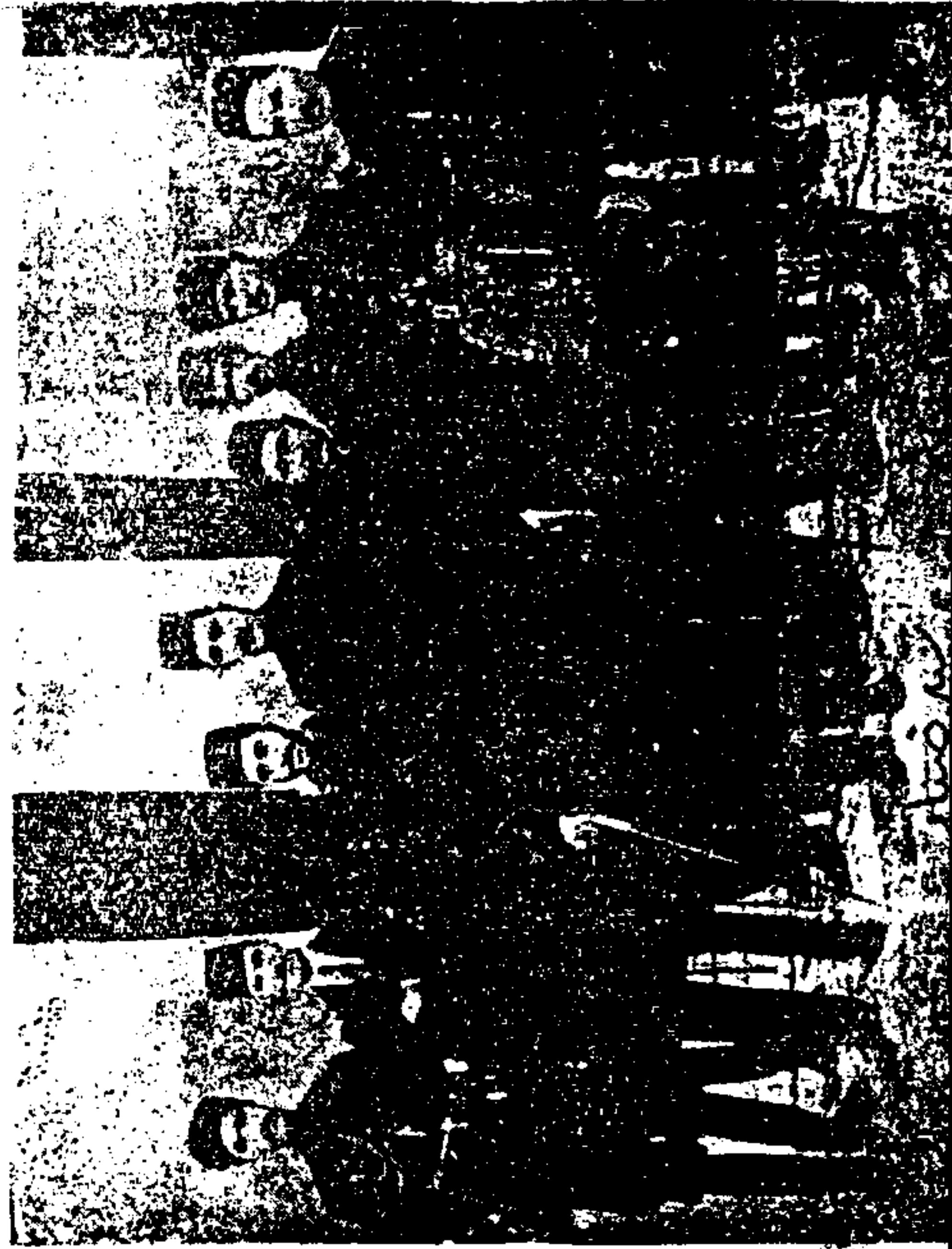
از طرفی هم می‌دانیم تقویت زاندارمری ملکامی مطبع نظر دولت انگلستان فرار گرفته بود که مینه واستنداز قدرت دیویزیون فراق و مخاطراتی که جمیات نازه افسران روسی آن، برای مصالح ایشان در بر می‌داشت بکاهند ولی در این زمان که دیگر دیویزیون فراق بدست افسران ایرانی اداره میشد، از آن خطری مندو و نبود تأثیری نداشت زاندارمری واجب ناشد.

بنابر این، این تراهه بادیگر نهادهای دستگاه مژده، هم آهک نموده بجهه و مس که در همین زمان تشکیل فشون متعادل شکل مطبع نظرها نهاده و در یکی دو مبحث پیش دیدیم برای عملی کردن نئه اتحاد شکل فشون، مینه واستنداز زاندارمری را در دیویزیون فراق تعییل برند و چنانچه این سازمان تقویت میشد و اداره آن بدست یکمده افسران سوادی می‌افتد آیا داخل کردن آن بتشکیلات فراق بهین سادگیها امکان داشت؟ و آیا افسران تحصیل کرده و نهاده سوادی حاضر میشدند زیر دست قراطهای می‌ساد و جاهم کار کنند؟

استناد همین مطالب است که برای ما بیک ابهام تاریخی بوجود می‌آورد و نمیتوانیم نهاده کنیم که «کایننه مزدور» سید ضباء الدین این لایحه را بجهه نظر و نیت نهیه کرده بود. و چون در نظر بیاوریم که کایننه سید ضباء الدین در همین ایام با مذاقات انگلیسی سازشی حاصل نموده بود که بلیس جنوب بدولت ایران تحویل و منضم بر زاندارمری شود تاریکی وابهام بیشتر می‌شود<sup>(۲)</sup>

۱ - م ۱۵ کتاب کودتا.

۲ - واجع باین توافق نظر و منضم شدن بلیس جنوب بر زاندارمری درج شود به مذمومین کتاب فصل مربوط بلیس جنوب.



کاینه سید ضیاء الدین طباطبائی اذ چه برو است : رضا خان سردار به رئیس  
دیویزیون فوج - مازور مسعود خان کیهان وزیر جنگ - سید ضیاء الدین طباطبائی  
رئیس وزراء - عدل الاله دادگر کفیل وزارت داخله - مشارالملک وزیر دربار -  
مازور علی خان ربانی - کلتل کاظم خان سیاح حاکم نظامی طهران - زمان بهام  
سادون وزارت جنگ

### ۱۳ - سردارسپه وزیر جنگ میشود :

بعد ضباء الدین کابینه خود را تشکیل داد و در کایته او مازور مسعود خان کبهان مقام وزارت جنگ را داشت و در این موقع رضا خان میر پنج سردار سپه و رئیس دیویزیون فراق شد و شاه چون بید ضباء الدین بدین بود و نسبت بموی تمابلی نداشت بمنظور اینکه برای خود حامی و پشتیبانی نمایه کرده باشد سردار سپه را مورد نوازش و مهر بانی های خود قرار داد.

رضا خان میر پنج که تا دیروز اهیتی نداشت، همینکه توجه مخصوص شه را نسبت بخود میدید و از طرفی خوبشرا با افسران عالی رتبه انگلیسی نزدیک و معاشر و در زد و بند های سیاسی داخل می باخت، رفته رفته به اط نیات عالی تری گشید و مقاصده بلند تری در نظر گرفت.

ما کاری باین نکته نداریم که آبا توجه سردار سپه بمقاصده عالی تر معمول نکر و حیات خود او بوده با درنتیجه شعریک و تلقین دیگران، همین فدر برای ناربخ ما کافیست بدانیم وی کم کم مقام فرمانده دیویزیون را برای خود کافی نیافت و شروع بزد و بند هایی کرد که بر کلیه فوای موجوده ایران فرمانده و سلط پیدا کند تا در قبال آن بافتدار و نفوذ خود بسط و توسعه ای دهد.

- « د روز ۱۲ حمل از طرف دولت بعضی قلی خان امیر »
- « د نومان ماموریت داده میشود که برای سر باز گیری سان »
- « د دامنه بروند از طرف وزیر جنگ نامه ای سردارسپه »
- « د نوشته میشود که حسب الامر رئیس وزراء عمه نفر سر باز بودی »
- « د داده شود، حکم نامبرده را بقرارخانه می بروند که سردارسپه »
- « د اجرای نماید، سردارسپه اطاعت نمی کند و بگو بد من نمی توام »
- « د بیش از سی نفر فراق بدهم و بالاخره پس از مذاکرات »
- « د بزباد قرار شد و نفر بیاده نظام بدهد »

- « همین در روز ۲۶ حمل دستور دیگری از وزارت جنگ »
- « د سردارسپه داده میشود که غورا آنرا اجرا نماید و سردارسپه »
- « د حکم را پاره میکند و مسیدحتیں میرزا را با پهلوی فرقاً »
- « د مامور میکند که بروند وزیر جنگ را دست بشه بقرارخانه »
- « د بیاورند ولی برانز اینکه چمن از افسران واسطه میشوند »
- « د نی کذارند امر صورت اجرای خود کبرد و پس از بکی دو »
- « د روز که از این مقدمه میگذرد سردار سپه دو خسرو رئیس »
- « د وزراء با وزیر جنگ نزاع میکند و بود سرهای درشت »
- « د و اهانت آمیز میزند »

و فتحت اقدامات و قدرت روز افرون سره ارس به سید ضیاء الدین واعضای کابینه او را متوجه و بینان کرد و بگیر افتادند که دست قدرت او را کوتاه کنند.

واه حلی که برای این منظور انتخاب شد این بود که سردار سپه را وزارت جنک انتخاب کنند تا « بتوان بدینوسیله ریاست دیوبزیون را بهده دیگری واگذار کردو پس از اینکه رئیس دیوبزیون بکار مسلط و قدرت را در دست گرفت سردار سپه را کار بگذارند (۱) باین قصد مأمور مسودخان از وزارت جنک استعفا کرد و سردار سپه در ۱۵ شعبان ۱۲۳۹ مطابق با اردیبهشت ۱۳۰۰ وزیر جنک شد (۲) ولی مقصود آقایان علی نشد و سردار سپه هر دو مقام را بدست گرفت و فرصتی بعضی بعضی نداد تا دیگری را بر ریاست دیوبزیون انتخاب نمایند.

#### ۱۴ - زاندار مری هم تابع وزارت جنک بیشود :

چند روزی از انتخاب سردار سپه وزارت جنک نگذشته بود که میانه او و سید ضیاء الدین بهم خود دو این اختلافات در نیمه اردیبهشت (اوآخر شعبان) شدت بافت که موجب بحران کابینه شد.

موضوعی که در این موقع آتش اختلافات را تیز ترمیکرد مقاله زاندار مری بود که سردار سپه میخواست آنرا از رایبیت وزارت کشور منزع و جزء ابواجه‌می وزارت جنک کند.

سید ضیاء الدین هر چند با این نظر سردار سپه از لحاظ اینکه میدانست العان زاندار مری وزارت جنک بر قدرت رساله رضاخان خواد افزواد، موافق نبود ولی چون مصادف باهیین اوقات کابینه حالت تشنج و بحرانی داشت (۳) و پیم سقوط آن میراث، صلاح خود را در رفع اختلاف دید. بالتراءع زاندار مری از وزارت کشور والغان آن وزارت جنک موافقت کرد که در حقیقت باید آنرا نخستین موقبت سردار سپه و دومین فدم در راه اتحاد شکل قانون معهوب داشت.

#### ۱ - مص ۱۸۶ کتاب کودتا.

۲- آقای عباس اسکندری در کتاب آرزومند بین: « مذاکراتی بین دو آزادان اسمایش با سید ضیاء الدین بعمل آمد (منظور مأمور مسودخان و کلمل کاظم خان است) و مصمم شدند این شخص را بکنار بگذارند و برای این امر صلاح دیدند وزیر جنک بشود مخصوصاً وقتی از هم جدا میشدند نتیجه مذاکرات را با خنده بیکدیگر عیکفتند و آن جمله ذیل بود: باید جبه را بتوشش امدادخت.

فردای آنروز مود خان از کابینه خارج شد ولی چند ساعتی نگذشت که بر اشباح خود واقف شدند. ارباب آینه وزیر جنک و دیپس دیوبزیون گردید و جبه را فریز لباس نظامی بن کشید.

۳- در این موقع موقر السوله وزیر فراهم عامله در گذشته بود و میرزا عباس خان وزیر عالیه هم رای معالجه بارو با میرفت.

بنابراین در این تاریخ کلیه هنرمندان و فوای تأمینیه ایران پسندی زاندارمی و فراغتانه و بریگاد مرکزی تحت نایبیت وزارت جنگ در آمدند که ریاست آنها با شخص و خاکان سرداری بود.

#### ۱۴ - سرداری برای مقصود خود ۰۰۰۰

کاینه سبد خیاء الدین در روز ۱۷ رمضان ۱۳۲۹ ( مطابق با ۱۶۰۰ خرداد ۱۳۰۰ و ۲۰ ۱۹۲۱ ) پسند عذاری ماه تمام سقوط کرد و فوایت لطفه در ۲۷ رمضان ( ۲۱ خرداد ) کاینه جدید را تشکیل داد.

در برنامه این دولت هم توسعه فوای نظامی قبضه شد؛ ولیکن فوایت لطفه ملتفت عیب کار بود و میدانست متعدد شکل شدن قشون ایران برای چه و در چه اظرفیات و مغایری طرح شده است بنابراین با این نقشه مخالفت میکرد ولی مخالف تحریبت قشون نبود.

دو این گپروردار، سرداری برایم ساختن مقدمات کار و تحریک مبانی مقاصد عالیه خود متغول بود و حصول مقاصد او و جوب بلک قدرت و سلطه کافی را ایجاد میکرد که بدست خود او باشد و این امرهم جز بایک کاش شدن قشون امکان عمل نداشت.

از این تاریخ است که در راه اتحاد شکل قشون ایران، دیگر انگلیسها را میباشم قط در آن مسیر، رد بایی را میبینم که سرداری برایت بسیار بر آن جای باها پا میگذارد و بیش میرود.

از این مرحله تا اتحاد شکل قشون بلک قدم دیگر بیشتر نبود آن‌هم تحلیل زاندارمی در فراغتانه و ده بنابراین دیگر میاید زاندارمی در فراغتانه تحلیل صبرفت اما چون علی‌رغم این نیات، فوایت لطفه حامی و طرفدار نفوذ و استقلال زاندارمی بود سرداری برایت نمیتوانست بافتار و اعمال نفوذ خود نیم‌ته آنی زاندارمی را بقای سرمایه‌ای رنگ و نیم‌ته قرقان نبدل کند لهذا در اظرفیت متدرج از زاندارم قرقان به‌ازد باین منی که این‌ها چند تعری از افسران زاندارمی را در فراغتانه وارد نماید و رفته‌رفته این کار را معمول و منداول سازد تا جایی که از زاندارمی اثری باقی نماند.

سرداری برایت با این‌قصد روز ۲۰ شوال ۱۳۲۹ ( مطابق با ۲۰ جوزا ۱۳۰۰ ) باداره زاندارمی رفت که از افسران آن‌اداره چند نفری را بفراغتانه منتقل کند. آنای مکنی در کتاب کودتای ۱۲۹۹ خود بنقل از جراحت وفات مینویسد: « موقعیکه سرداری برایت نظافت در آنجا مینی بر اتحاد و یگانگی این افراد قرقان و زاندارم و لزوم مساعدت زاندارمها در توسعه فراغتانه ایران مینماید، هیچ کسر جواب نطق او را که حاکم از رضاخت و باعده رضابت باشد نمی‌دهد و مجلس بسکوت ختم می‌شود. » (۱)

ولی چون نفعه اتحاد زاندارمی مینماید در فراغتانه بطور حتم صورت می‌گرفت سرداری برایت ای تازه بکار می‌برد باین نحو که دستور مینده سازمان زاندارمی را موافق اختیارات آن‌روز تنظیم نماینده تا افسران و افراد اضافه بر سازمان معلوم شوند بلکه



### کاینه قوام السلطنه

از چه براست : حاجی مختار السلطنه استندیاری - قوام السلطنه - رضاخان  
سردار به وزیر خنک - فرمادرخان - مستوفی المالک .  
در صفحه جلو : سلطان احمد شاه - محمدحسن بی ۱۱ ولیعهد - نورت السلطنه

از این راه تعدادی از افران آن اداره بقرارخانه استحال باشد . اما این شرایط هم کارگر نفتاد زیرا کارگزینی زاندارمری تشکیلات خود را طوری تنظیم کرد که ۶۷٪ نفر هم کسر سازمان داشت .

### ۱۵ - یک رنگ دیگر :

تا انحلال زاندارمری نمی باید پیکار نشد . من باید بر مدت و عظمت قرارخانه افزود که تا در موقع بکار کار کشیدن فشون هر عقل ملی رأی باانحلال (زاندارمری ضمیف و بریشان در قرارخانه قوی و مقنود بدهد .

این است که سردار سپه شروع بکار کرد و با پیکار غریبی که داشت برای گرفتن اختیارات بکار نشاند آورد نا جایی شد . هیئت وزراء دستور داد موافقاً تمام در آمد دولت بادرات قشونی شخصیس داده شود و هر مغارجی دیگر غیر از مخارج فشون باید با اجازه کاینده برداخته گردد .

اما این بولها کفاف مخارج فشون را نداد و در نتیجه هیأت دولت مجبور شد از دولت انگلستان تقاضای بک مقره غرض نماید .

اینچنانست که باز پای شرایطی موافق مقتضیات سیاست و صالح (:) بیان می- آید باهن منی که دولت انگلیس در مقابل نادیه این قرض پیشنهاد کرد :

۱ - دولت ایران مستشارانی برای وزارت جنگ و دادانی از کشور انگلستان استخدام نماید .

۲ - مجلس شورای ملی هرچه زودتر افتتاح شود .

کابینه فوام که میدیده شرط اول همان مفاد فرار دارد ۱۹۱۶ است و چنانچه آنرا پذیرد بمنزله این است که فرار داد ۱۹۱۹ را فیصل کرده است . و چنانچه مسئله واگذاری پلیس جنوب هم بحث داده اند آنها مطمین خواهد بود . پس از این بروز دوراً مرسلیم فرود نیاورد و فیصل آنرا موکول پندریب مجلس نمود آنده بک افتتاح سود مجلس هم بالاخره در ۱۵ ذوال ۱۳۲۹ هذابق با اول سرانی ۱۳۲۰ افتتاح شد اما موضوع مستشاران بیان نیامد .

### ۱۶ - پلیس جنوب منع میشود :

تشکیلات پلیس جنوب که شرح پیدا بش و تحولات آن در ضمن هم کتاب خواهد آمد ، تا این زمان (سال ۱۳۰۰) که مصادف با افتخار سردار به بوده میباشد بطور غیر رسمی باقی بود و بخرج دولت انگلستان در جنوب ایران اداره میشد . در خلال این ایام انگلیسی ها هر قدر دست و پا کردند که رسمیت آنرا پیکی از دولتهای وقت ایران بقبول آمد و آنرا در لباس فشون منعدالشکل ایران که در دست تشکیل بود در آورند تا از مخارج گزافی که برای بر پا داشتن آن منع میشد آسوده شوند ، میسر نشد و دولت ایران آنرا بک نیروی متغوز خارجی نلائق بسکرده ، تا اینکه سال ۱۳۰۰ فرا رسید و چنانکه دیدیم در این سال سردار به برای مقاصد خود میخواست زاندارمری و قرارخانه و بریگاده مرکزی را در همدیزد و

قشون متعبدالشکلی را که منظور نظر او بود بوجود آورد.

انگلیسی ها می دیدند اقدامات سردار سپه خود بمقاصد و نیات آنها صورت واقعیت می دهد و مصالح ایشان را تأمین می کنند، دیگر اختیاری با هرچا بودن سازمان هربض و طوبیل بلیس جنوب ندیدند و تصمیم با محل آن گرفتند.

بوجه پیشنهادت و نهادت دولت انگلیس قرار ہو. هنگامی که بطرافه نیروی بلیس جنوب را منحل کرد، کلیه تجهیزات و اسلحه و مهمات و دو ابرومت ملقا آنرا بدولت ایران واگذار نمایند ولی در این موقع، در مقابل انحلال سازمان مزبور و واگذاری متعلقات آن مبلغ دو میلیون و کسری لیره از بابت مغارجی که بنا برین مختلفه برای با داشتن آن نیرو ( که فقط بمنظور حفظ مصالح خود آها تشکیل شده و منحصرآ حافظ منافع ایشان می بود ) متعمل شده بودند از دولت ایران مطالبه کردند و چون دولت ایران حاضر بتایید و چه مزبور نشاد ایشان هم از واگذاری متعلقات بلیس جنوب، خود.

داری نمودندو بالآخره  
هم نتوانستند با یك  
دیگر کفار آپند.  
آفای ملک الشرام

در کتاب « تاریخچه  
احزاب سیاسی » در  
آن مورد چنین نوشته  
اند : « در تبعید دولت  
نتوانست از مهمات  
وساز و برق بلیس  
جنوب استفاده کند و به  
آنها را طبق بیش از  
دولت انگلیس خریداری  
کرد و نه هم آنها  
حاضر شدند به او اگذار  
نمایند و همه چز حقی  
چار و امای مزبور  
را نابود کردند و یك  
قبضه تفک و یك



### قاطر با بران ندادند. » (۱)

با این ترتیب بلیس جنوب دو بایز سال ۱۳۰۰ خداون ناسیل آیینه که اند  
شکل قانون ایران در شرف انجام گرفته بود، منحل شد و هر راه و راستی را  
سردار به در زاندارمری و فراخانه پذیرفت.

### ۱۷ - فرستادن محصل باروپا:

نیات و مقاصدی که سردار به داشت و قوام‌السلطنه را مخالف حوق آها و  
پیشرفت‌های خود میدید، سبب شده بدان آن دو بهم خورد و بروز میان آن بگوش  
امد شاه هم رسید و احمد شاه که از تند روایها و انداد سرچشم شوهم نمود و داد  
و فقط قوام‌السلطنه را مرد میدان او می‌بیند صلاح نداشت که گلو این مخالفت‌ها بالا  
گیرد با این نظر آنها را با اتحاد و همکاری سپاهانه نصیحت و دعوه کرد اما این  
افدام شاه مانع تند روایهای سردار به نشد.

سردار به سی میکرد با شتاب هرچه تمامتر کار زاندارمری را بکشید که  
این بود که روز هفت ربيع‌الثانی ۱۳۴۰ ( مطابق با ۱۴ فوس ۱۳۰۰ ) برای اصران  
زاندارمری در فراخانه نطقی مفصل ایراد کرد که نیات او را کامل بطبع صریح  
می‌رسانید. سردار به در حق این نطق بالا بلند خود گفت بود:

« باید تمام قشون ایران دارای بلکلاس متعدد شکل باشد مایل به زاندارمهای  
بلکلاس فراجهای را پوشند و زاندارمری منحل شود. » و در شایار نطق خود اضافه  
کرد: « آقایان، ایران وطن عزیز من رشما بوجود فرزمان خود رئیس‌الملائکه مصان  
است. بر شما است که در راه خدمت وطن و استقلال وطن مردان کسر است بمندر  
بطور قطع و بقین متظر باشید که اصول تحریک و وحدت کله بهترین نیرات  
بزرگواری را با استقلال شا خواهد فرستاد. زنمار خاک اردشیر شارا نگاه میکند  
مراقب باشید. »

فردای این‌روز سردار به کلش گلریب را که رئیس زاندارمری بود از... دست  
منفصل نمود و برایست زاندارمری را بیز خود بجهده گرفت و کفالت آنرا بکلش  
عزیز الله خان ضرغامی معول کرد.

قوام‌السلطنه که با اتحاد شکل قشون و بر انداختن زاندارمری جدا مخالف  
بود، برای اینکه اندامات سردار به را خنثی کرده باشد بفکر افتاد زاندارمری را  
علی‌رغم میان سردار به باستفاده عده‌ای از افران خارجی نمی‌توست و نکمل کند.

در بد و امر در نظر گرفته شد این افران و مشتاران ( ۱۰ هر افسر از صوف  
 مختلف نظام برایست بکنفر سرتیپ ) از مملکت فرانسه استفاده نموده اما چون در این  
ایام انگلیس‌ها با فرانسویان میان خوبی نداشتند و این مخالفت خود را هم بکاییه قوام  
حالی نمودند، دولت قوام‌السلطنه از استفاده فرانسویان منصرف و متوجه دولت پادشاهی

نیز مذکور شد ولایعه آن نیز تهیه گردید که تقدیم مجلس شود .  
در اینجا می بینیم که غفله فکری مبتکرا و ابتدا ساکن در منز سردار سبه تولید  
می شود با این نحو که در مقابل ولایعه قوام السلطنه ، کم بون بودجه قشون و نفرمایی  
کثیر را بهانه و مستمسک می کند و یعنی هاد می نماید چون در عین حال موضوع هم حائز  
اهمیت است بهتر است از استفاده خارجیها صرف نظر و بالاعزام بکمده محصل بارو با کذاشود .  
قوام السلطنه با این اراده طریق موافق نبود ولی در این میانه ( ۲۶ دی ۱۳۰۰ )  
مطابق با ۲۰ جمادی الاول ( ۱۳۴۰ ) کایته او سقوط کرد و مشیرالدوله رئیس دولت شد  
( ۵ بهمن مطابق با ۲۶ جمادی الاول ) و سردار سبه در کایته مشیرالدوله موفق شد عقبه  
خود را بر کرسی بنشاند ولایعه اعزام شست نفر محصل بارو با رابعی لایعه استفاده  
مستشاران خارجی به تصویر رساند .

دیگراندار مری  
هم در قزاقخانه  
تحلیل رفت :  
از میان رفتن کایته  
اول قوام السلطنه  
دست سردار سبه را  
آزاد کذاشت که  
ذاندار مری را در  
قرائغنه تحلیل برد  
واز درهم ریختن آنها  
قشون متعدد الشکل  
منظلو خود را بازد .  
مقارن همین  
ارقات واقعه ای بیش  
آمد که در انحلال  
تواندالتو معزی کیک  
مؤثری کر در آن واقعه ،  
قیام میزد و لاهوتی در  
آن را بیجان بود .



سلطان احمد شاه و سرمهدا در لباس منجمد بالکش سردار سبه

این شخص با افسران زیر دست خود بعد از بر افاده کلنل محمد تقی خان، (که بر ضد حکومت نصت قوام‌السلطنه فیام کرده بود)، آخرين علمداران و متنفذين زاندارمی بودند که علی رغم فدوت و نیات سردارسپه، مبادوت باقداماتی مبنی به خد کودنایی (Contre coup d' etat) کردند که سردار سپه در شرف اجرای آن بود (۱).

این غایله و غایله کلنل محمد تقی خان هر دو بنفع سردار سپه خانه پذیرفت چه او این وظایع را حریمی کرد و با تحریک حس بدینشی نسبت بزاندارمی، بر سر اداره زاندارمی کوید و در حقیقت دیگر از آنروز زاندارمی در قراخانه حل شد ولی هنوز سلزمان آن از میان نرفته بود و آخرین عنصر آن تا زستان سال ۱۳۰۰ شی هم‌تیه استقلالی داشتند، تا اینکه بالاخره در زستان سال مژبور زاندارم بکلی فراق شد و قوای مختلف و زنگاری ایران یک دست گردید و بصورت پنک آهنگی دو آمد که بست سردار سپه افغان و توفیق سردار سپه در اینراه تاجران رسید که احمد شاه و ولی‌جهه هم طیاس متعدد شکل ساخت سردار سپه ملیس شدند.

شون متعدد شکل و پنک ایران بین نیرو وجود آمد و ارتش منظم امروزی همان است که بد ها بیرون آبام توسعه و بسطی یافته است و سردار سپه با استفاده هر این ترددام چهار سال بعد (۱۳۰۴) نواست بر مبنای سلطنت ایران جلوس کند.

#### ۱۹ - فعاق سردار سپه وزیر جنگ :

ار. دیجه ما در اینجا نیام میشود و در شرح مطالب تاریخی خود دیگر دنباله تاریخ افس. ۱. سردار سپه را رها می کنیم چه با موضوع مورد بحث ما سپرچوچه بستگی نداشت بلکه نیازمند نیمه‌انیم که نطق معروف اورا که در روز ۱۵ شهر ماه ۱۳۰۱ می‌بینی بکمال حد از صورت گرفتن اتحاد شکل قشون مناسب استهی خود از مقام وزارت جنگ برای کلیه افسران اوراد نموده در اینجا نقل کنیم:

در نظر اینمدت آنچه در قوه داشتم برای خدمت باین مملکت سی کردم و نظام ایران را ... و منظم بودم و نهاده ها و اخلاق انسانی که در اخلاق افلاطونی داشتند خوب نداشت و میکنست را منظم و امن کردم [ ولی ] هواره دسایس اجنبی بر ضد امداد ... بین قشون ایران در کار بود . اینک بعضی زمزمه ها در داخله بلند شده معلوم است کسانی که سعادت این مملکت را اطالب نبیستند و عده محدودی هم بیشتر نبیستند آنکه ... اینجانب رافع میشوند و چنانکه میتوان هستید از مدنیهای قبل پیشیک خارجی هر ایم ... نکت حکمران و برای انبات همان پیشیک دواداره نظامی در این مملکت تشکیل

۱. این کودنا که غیر از کودنای سوم است، بر ضد سلطنت قاجاری در

دادند که یکی از آنها فراغت و دیگری زاندار مری بود . برای تمام اشخاصی که مطلع بودند تردیدی نبود که عجیبات از این دو اداره حقیقی ایرانی شناخته نمیشد و هر یک برای پیشرفت مقاصد مخصوصی ساخته شده بود . چون احتیاجات مملکت بوجود یک اداره قوی نظامی واضح بود و حفظ موقعیت ایران هم در مقابل دنیا لازم شده بود بین مناسبت من با یک خبر خالصانه و از روی حقیقت ملہت و ایرانیت ادارات فوق الذکر را با تمام مشکلات متصوره منحول و یک وزارت جنگ ایرانی تبدیل کردم .

چون این اقدامات مخالف بامنافع مردم ایرانی شناخته میشد و از همان روز اول از



عده‌ای از افسران و سربازان فراغت و وزارتخانه و زاندار مری  
در لباس منحد الشکل

هر گونه مشکلات فروز  
گذاز نکرده و با هزار  
زحمتی که بود موقعیت  
مملکت را از نظر دور  
نمایش و خدماتی که  
در غرف این مدت  
کم از طرف همین  
فوای جدید امپرس  
در پیشگاه مملکت  
ظاهر شده شاید سر  
احدی یوشیمه نباشد و  
جز مفترین نتواند  
حقیقت آنرا کته‌ان  
کند . (۱)

بطوریکه از  
مقاد نطق مزبور بر  
من آید سردار سپه در  
طی این خطابه خواسته  
است فکر ایجاد نشون  
منحد الشکل و یک  
زمک ایران را زایده

منز و ابتکار خود نشان دهد و حال آنکه از روی استناد و مدارک موقن دیدیم مکر

ایجاد فشوی متعددالشکل از اوائل سال ۱۳۲۶ قمری ( ۱۹۰۶ و ۱۹۱۸ میلادی ) در منز زمامداران انگلیسی پیدا شده بود و زمزمه آن هم که بد از قرار داد ۱۹۱۹ در افواه ایرانیان افتاد بر اثر تلفیق و دنبیعن همانها بوده است . متنها باید مترف بود که این فکر و نقشه بدست سردار سپه صورت گرفت و توسط او چامه عمل بوشید اما در هیچ حال نباید انکار کرد که ایجاد فشوی متعددالشکل بهره از و نظری که بوجود آمد منافع ایران را نیز در برداشت و ایران را از کشمکشها و رفاقت های دول بیگانه که در همه حال موجب ناامنی و خرامی کشور می بود آسوده ساخته بدسته های جباری و خمنی خانه داد و ملت ایران از این لحاظ باید قدر شناس و سباسکزار مرحوم سردار سپه باشد .

## فصل هفدهم

### نیروی دریائی ایران

چنانچه بنشه کشور ایران دقت کنیم می بینیم تقریباً یک نیم از مرحدات کشور ما مرزهایی دریائی است و از قضا سرکارمان هم در این مرزها با دو دولت قوی روس و انگلیس است که از سیصد سال پیش تا حال همراه چشم طمع ہاین سرزمین و انتظاراتی از کشور ما داشته اند.

محتاج پوضیع و شرح بست که هریک از این دو دریا که در شمال و جنوب ایران واقع است، در سرنوشت و مقدرات دو دولت مزبور چه نقش بزرگی را بازی می کند و همینقدر کافی است بگوییم وجود این دو دریا و اهمیت آنها در سرنوشت و مصالح دولتين روس و انگلیس سبب شده است که دولتين مزبور از همان روز های اول آشناشی و ارتباط خود با ایران سعی کرده اند سلطه و قدرتی در آب های مذکور احراز کنند تا در مقابل آن بیانات و مفاصله خوبیش جامه عمل پوشانده مصالح و صافع خود را نامین و تحکیم نهادند و بهمین ملاحظات است که دولت ایران توانست بحریه ای در آب های شمال و جنوب کشور ترتیب دهد و اگر هم یکی دونن از پادشاهان وقت هنری مفتضیانی باشند فکر افزادند و یا دست بکار اجرای این فکر شدند با دسایس و مخالفت های دولتين مزبور مواجه گردیدند و بالنتیجه نفعهای ایشان عقیم ماند.

هر مسئله نیروی دریائی ایران برای اولین بار در زمان نادر شاه بیان آمد و پس از آن در اوائل سلطنت فتحعلی شاه نهادلانی شدیده برای آن رخ داد و در هنگام پادشاهی ناصر الدین شاه زمزمه هایی در این باره برخاست و حتی دو فرونده گشته نیز نهاده شد اما باز فکر مزبور هایی نگرفت تا وقوعی که موضوع قشون منعد الشکل در میان آمد در این تاریخ روس ها با عدد مساعده ۲۶ قوریه ۱۹۲۱ خود دست ایران را در آشکنی نیروی دریائی در آبهای خزر آزاد گذاشتند و در تعقیب آن پس از نشکنی قشون منعد الشکل بالاخره رضا شاه موفق گردید بآرزوی سپاه ساله ایران جامه عمل بروشاند.

### نیروی بحری نادر شاه:

چون نادر شاه زمام اختیارات کشور ایران را بدست گرفت (۱۱۴۹ - ۱۱۶۰) با آن افکار و بیانات عظمت خواهی و چهانگیرانه ای که میداشت خواه ماحواه خود را

از داشتن بیک فشون فوی و مقتدر ناگزیر میدانه و بهمین ملاحظه توسعه فشون توجه کرد بقی که بزرودی توانست در سایه شهر سر بازان خود حدود ایران را بسند و جیعون و در باجه آرال و کوههای تفاز و اراغی مسفله و عمان بر ساند. مادر اینجا کاری بشرح این اردو کشنهای سطح حدودها مدارم همینقدر باید بدانیم که نادرشاه بس از اینجاو بکچنان فشون منظم و متمرد و مدد از خانه کار هنرستان و ترکمنان بفکر ایجاد نیروی دریایی در خلیج فارس و زیبی خزر افتاد. در سبب پیدایش این فکر تحقیقاً چیزی نپدایم اما گمان داریم که چندان راه خطأ نرفه ایم اگر تصور کنیم که تشکیل فوه بعری در دریای خزر بمنظور جلوگیری از تجارت روسها بوده است که خالبا از راه روسها، وامل ایران را مورد تهاجم و نیازهای خود فرار میدادند و فکر ایجاد نیروی دریائی در خلیج فارس هم از سال ۱۱۴۹ - ۱۱۵۰ قمری (۱۷۲۷ - ۱۷۲۸) در نادرشاه پیداشده است که انگلیسی ها و هلندیها هنگی که فشون نادر عزم سواحل عمان و حاموش کردن شورشها آینجا بوده اند، چهارات و کشنهای خود را با خیابوی سکداشته.

بور حال قدر مسلم این است که نادر شاه در سال ۱۱۵۸ (۱۷۳۵) تشکیل نیروی بحری در دو دریای شمال و جنوب ایران را برمی کرد و بهمین بضریم جان النون (۱) نامی را از ایاع انگلیس که باید شرکت نیز رانی برینها و روسیه در سن پندر بورک (۲) و از سال ۱۱۵۱ قمری (۱۷۳۸) بعد ایران برو، استفاده کرد. چنان نون هم می آنکه قبل موافقت شرکت مبلغ خود را حلب نموده باشد بخدمت دربار ایران در آمد و همین موضوع بجهه ای اند که دولتین روس و انگلیس هر دو صدای خود را بمخالفت با استفاده النون بلند کنند و این مخالفت معسرآ از لعافت حفظ مذاق خصوصی دولتین بود باین معنی که روسها و انگلیسها هر دو در این ایام، در ایران منافع و نظریات تجاری داشتهند و با آنکه از سال ۱۱۴۷ قمری (۱۷۳۴ میلادی) پیکدیگر نزدیک شده و شرکت تجارتی مرور را تأسیس کرده بودند، هم‌ها پکدیگر را رقیب خود میدانند و بهمین ملاحظه هم روسها تدور میگردند که در مسأله استفاده النون انگلیسی ها بی دلالت بوده و غایب‌است داشته اند. انگلیسی ها بیز که در این اوقات ارتیاط بازار کتابخان ایران از راه خلیج فارس با مراجعت های بسیار که هلندیها و دزدان در راه خلیج فارس ترجیح می نهادند، مواجه می شدند راه تجارتی روسیه را بر راه خلیج فارس ترجیح می نهادند و باین بظر نمی خواستند انتداد و اتفاق روسها را بر سر موضع کوچک از دست داده باشند. باین ملاحظات بود که آنها هم در نفع مخالفت با استفاده النون با روسها هنوا شدند.

و شرکت مزبور التون را با مواعید بسیار فرا خواند ولی التون حاضر برخ خدمت جدید خود نشد.

کار این بدینهای روسها و مخالفتم بالاخره بجایی کشید که امیر اطراف روسیه آنا ایوانووا (۱) در ماه نوامبر ۱۷۴۶ (۱۷۵۹ قمری) تجارت روسیه و انگلستان را قدم نمود. معهداً التون در خدمت دریانی ایران باقی ماند و تحت توجیهات نادر شاه ساختن کشتی و ایجاد نیروی دریائی مشغول شد.

اما نیروی دریائی ایران با وجود همه مساعی و کوششهایی که نادر برای برپا کردن آن بکار می برد و با آنکه چند فروند کشتی ساخته شده بود (۲) وقت پایی نگرفت زیرا نادر شاه سال بعد (در ۱۷۴۷ مطابق با ۱۱۶۰) بقتل رسید و مسئله نیروی بحری ایران فراموش شد.

### انگلیس‌ها با تشکیل نیروی دریائی در خلیج فارس موافقت نیکنند:

از سال ۱۱۶۰ که نادر شاه کشت شد و نقشه نیروی دریائی او خفیم ماند، تا سال ۱۲۰۷ قمری (۱۸۱۲ میلادی) صحنه از نیروی بحری ایران در میان نمی بینیم. ولی در این سال که انگلیس‌ها موفق شده بروند با دس‌بیس و حیل بتفصیلی که در فصل چهارم دیدیم ماهده‌ای برای تأمین مصالح خود و کوتاه کردن دست فرانسویها از ایران بادر بار ایران منعقد کنند. ضمن پنج فصل نظامی این عهدنامه یک فصل هم راجح قوه بحری می‌باشیم که عین آن چنین است:

«فصل هفتم - در صورتیکه در داخل دریای قلزم (۳) چوب و اسباب مهربا شود و شاهنشاه ایران خواهش فرماید که در حوزه های بحر مزبور کشتیهای چنگی سازند پادشاه ذجه ایلستان اجازت بعلم و عملیات کشتی ساز و غیره از دارالسلطنه لذهن و هم از بندر بینی عطا فرمایند که بخدمت شاهنشاه ایران حاضر و بخدمت مرجعه مأمور شوند و مواجب و اخراجات آن با سرکار پادشاه ذجه دولت علیه ایران پابند موافق فرازیکه بالیچی دولت بهبهانگلیس داده خواهد شد.»

عملت گنجانیدن این فصل در ماهده ظاهراً این بود که دولت انگلستان در این واقع میخواست در مقابل میل سپاه روسها که ماده نهم وصیتانه پظر کبیر را هم بنوک

### Anna ywanowna - ۱

۲ - سرهار فرد جونز بریج Sir Harford Jones Brydje در سال ۱۲۲۳ قمری (۱۸۰۹) با مقام سفارت انگلیس با ایران آمد و است در شرح سفر سال ۱۲۲۸ (۱۷۸۶) خود با ایران مبنویست؛ و وقتی من در سال ۱۷۸۴ پوشهر وارد شدم بقایای سفر و کشتی‌های نادری در نزدیکی شهر یاقی بود و آن که نسبتاً از ساپرین مالکتر مانده بود تقریباً پانصد تونه طرقیت داشت. (من ۱۶۶ کتاب خلیج فارس تألیف مرمنک ویلسون)

صرنیزه های خود آویخته و بجانب خلیج فارس می آمدند، ایرانی فوی بوجود آورد تا مانع پیشرفت های آنها شود. اما طولی نکنید که ورق سیاست برگشت و انگلیسی ها با رو سها در اتحادیه ششم بر ضد ناپلئون هم پنهان شدند و قشون ایران را که نتیجه هدایت و تسلیم افران آنها اداره میشد رها کردند و رو سها هم سپاه بی سر پرسست ایران را با پل شیخون نارومار نمودند<sup>(۱)</sup> و در نتیجه معاهده گلستان منعقد شد.

### سلب حاکمیت ایران در دریای خزر:

رو سها که نقشه نبروی در بابی نادر شاه آنها را سخت نگران کرده بود و از همان موقع در پافت بودند که فکر جلوگیری از نفوذ رو سها بوسیله ناسیس فوای بحری در دریای خزر در سر اولیای امور ایران حاصل شده است و بدون تردید روزی این فکر خود را به رحله عمل خواهند گذارد؛ در صدد بر آمدن خیال خود را از این نگرانی آسوده نمایند و وجود فصل هفتم معاهده ایران و انگلیس هم بیشتر آنها را باین خیال انداخت و بهمین نیت در معاهده گلستان فصلی گنجانیده شد و بوجب آن دولت ایران را از داشتن نبروی بحری در دریای خزر معروم و منوع کرده و دولت ایران از آن حق میداشت کشتی هایی تجارتی و غیر چنگی داشته باشد و آن فصل چنین است: «فصل پنجم - کشتی های دولت رو سه که بر روی دریای خزر برای معاملات تردد مبنایند بحث این مادون خواهند بود که بساحل و بنادر ایران عازم و ترددیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دولت ایران نسبت بآنها بشود و کشتی های جانب ایران هم بحث این مادون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل رو سه شده و بهمین نحو در هنگام طوفان و شکست کشتی از جانب رو سه اعانت و یاری دولت ایران در باره ایشان معمول گردد و در خصوص کشتی های عسکریه چنگی رو سه بطریقی که در زمان دوستی و بادر هر وقت کشتی های چنگی دولت رو سه با علم در دریای خزر بوده اند حال نیز محسن دوستی اذن داده میشود که بحث این ماده معمول گردد و احده از دولت های دیگر سوابی دولت رو سه کشتی چنگی نداشته باشد.»

گرچه در این فصل بصراحت دولت ایران را از داشتن نبروی بحری منوع نداشت اند و ممکن بوده است دولت ایران آنرا در موقع ازوم بنفع خود تعبیر و تفسیر کند اما ابدی ذات نظری جز این در میان بوده ممکن است این دولت ایران در این تاریخ نبروی بحری نداشته اسی هم از آن در عهدنامه برده نشده بعلاوه عهدنامه سال ۱۹۲۱ که از آن در جای خود صحبت خواهیم کرد بوضوح ثابت کرد منظور اصلی عاقدهای این فصل همان سلب حاکمیت بحری ایران و منوع داشتن این دولت از نگهادی کشتی های چنگی بوده است لاغیر.

فصل پنجم معاهده گلستان علاوه بر اینکه حق حاکمیت بحری دولت ایران را در دریای

خود سلب میکرد سبب شد که انگلیسی ها هم بر قایمت روسها، سال بعد (۱۲۴۹) که ماهده سال ۱۲۴۷ را تجدید نمودند، فصل مر بوط نیروی بحری - خلیج فارس (فصل هفتم) را حذف کردند و از تشکیل فواید دریایی اسپانیا نیاوردند (۱) تا ۱۳۰۰ که دولت ایران بفکر تأسیس نیروی بحری در خلیج فارس افتاد و مصالح دولت انگلستان تشکیل آنرا ایجاد نماید نه تنها ملزم و متعهد بکنم نباشد بلکه بتواند مانع بوجود آمدن آن نیز بشوند.

معاهده تکین گلستان (۱۲۴۸) مطابق با ۱۲۴۳ که قسمی از خاتمه قفارز<sup>۱</sup> را بصرف روسها در آورده بود میباشد توانست از حرص وضع آنها جلو گیری کند و بهین لحاظ در سال ۱۲۴۱ قمری باز جنگهای ایران و روس آغاز شد و این دوره جنگها که مدت دو سال حاول کشید در سال ۱۲۴۳ با انسداد معاهده تکین تر ترکمان چای (پنجم شعبان ۱۲۴۳) مطابق با ۱۰ نوریه ۱۲۴۸ خاتمه یافت. در این معاهده هم یک فصل راجح بمناسبت بحریه ایران بوده (فصل هشتم) که همان مقاد فصل پنجم گلستان را تجدید و تأیید می نمود و آن چنین است:

«...اما در باب کشته های جنگی چون آنها نیکه برق نظامی روس دارند از قدیم الیام بالا غرای حق سیر در بحر خزر را داشته اند حال هم بدین سبب این امتناع منحصر بهمن کشته های خواهد بود بطوری که بغير از دولت روسه دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی در دریای خزر داشته باشد...»

بهین ترتیب دولت ایران از داشتن نیروی بحری جنگی در دریای خزر و حق حاکمیت در آب های متعلق بخود محروم شد.

**ناصر الدین شاه نیروی بحری تشکیل میدهد :**

ناصر الدین شاه که ذاتاً بعظیت مملکت و آزادانی ایران و رفاه ملت راغب و مایل بود در سال ۱۲۸۲ قمری (۱۸۶۵ میلادی) بفکر تأسیس نیروی بحری افتاد و چون ماده هشتم معاهده ترکمنچای مانع اجرای این خیال در دریای خزر می بود خواست فکر خود را در خلیج فارس برحله عمل بگذارد. باین قصد با دولت انگلیس وارد مذاکره شد که فرونده کشته جنگی خریده اداره آنها را هم بدست افسران انگلیسی و ملاحان هندی و هرب بسیار د.

سبب پیدایش این فکر بعلوور صحیح معلوم نیست اما بتوان آنرا یکی از همان هوسها و تمايلات «شاهانه» دیگر دانست که متألهه قسمی از نیروی دریایی روسها در دریای خزر که ناصر الدین شاه در ماه ذی حجه همین سال در مسافرت مازندران دنبه بود (۲) موجب برانگیخته شدن آن میل و هوس شده است.

۱ - رجوع شود بفصل چهارم مبحث چهارم.

۲ - صنیع الدوّله در ج ۳ منتظم ناصری مینویسد، «...بعد بفرج آباد و بندر (بنده در باور فی صفحه بعده)

وکی این نکر و تصمیم در این سال جامه علی نیوشه و معلوم نوشت علت آن چه بوده .

در سال ۱۲۹۷ قمری ( ۱۸۸۰ ) یعنی بازده سال بعد باز توجه ناصرالدین شاه به مسئله نیروی بحری مصطفی ولی برای اینکه این بار هم مانند سال ۱۲۸۲ نکر ایجاد نیروی بحری خوبی نماید در نظر گرفت شد سالی یک فروردین کشته نیوشه شود تا در ظرف چند سال بحریه مناسبی برای رفع حوایج خلیج فارس وجود آید و این عطف توجه به مسئله فراموش شده بحریه خاکرا آباد برای افزایش عواید گمر کی بوده است که اگر سواحل خلیج و خطوط ساحلی و بنادر آن تحت نظارت و مرافت مستفیم و کامل در می آمد این تتجه حاصل می شد :

بعدین چهت بوسیله علیه ملیخان مخبرالدوله وزیر مختار ایران در آلمان دو فروردین کشته نخربده شده که اولی نام برس بولیس ۱۴۵۰ اسب فوه و مجهر بیچوار اوله توب کروب در سال ۱۳۰۱ قمری ( ۱۸۸۵ میلادی ) وارد بندر بوشهر گردید و چند ماه بعد هم قطعات منفصله کشته دوم و سوم بشوش پیندر خرم شهر غرستاده شد ( مخبره سابق ) که در آنجا آنرا سوار کردند و کارمندان و ملاحان این دو کشته آلمانی بودند .

اما با این حل نیروی بحری ایران وجود نیامده زیرا کشته دیگری بر تو کشته مزبور علاوه نگردید و شاید هم این عدم پیشرفت کار بمناسبت وجود آلمانها در دستگاه بحریه ایران بوده که انگلیسی ها آنرا موجب توسعه عوذه امپراتوری آلمان در خلیج و مخالف مصالح خود میدانستند .

در هر حال نیروی دریایی ایران در این تاریخ هم باشی نکرفت و کشته های مزبور در تحت امر حکومت های خوزستان و فارس بار داشت و عمل و نقل برداشتند ( ۱ )

### نیروی دریایی ایران تشکیل می شود :

این بود وضع نیروی بحری ایران تا اواخر زمان ناصرالدین شاه و بعد از این تاریخ هم مواجه با تحولاتی شد که معلول رفاقتها و اعمال نفوذ های دولتی دوس

( بقیه باورقی از صفحه پیش )

میانگاه و کنار در با نشريف برده سفایران و مأمورین دولت روس که از طرف دولت بعض احترام و تهذیم ذات همایون را داشته اند در کنار در با حاضر شده بودند به حضور همایونی مشرف شده در باره هر یک از آنها بدل مرحمت و اعطای شان علی خود مرانیهم فرمودند و اعتماد السلطنه از طرف دولت شایافت شایانی از آنها نمود . ( من ۲۹۶ )

۱ - کشته شوش در زیر فرمان حکومت خوزستان و کشته برس بولیس در تحت امر حکومان فارس بود .

و انگلیس بود و فرصتی برای اولیای امور باقی نگذاشت تا بقیه تشکیل بصریه میندیشند . تا اینکه حکومت تزاری روسیه بر افتاد و دولت شوروی روی کار آمد . این دولت برای احتمال قلال قطعی حکومت سابق و نسبت مقام متزلزل خود کلبه فرار . دادها و معاهداتی را که دولت تزاری روسیه بادول دیگر منعقد کرده بود ملنا نمود و معاهدات و قرار دادهای جدیدی با آنها بست و از آن جمله در سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق با ۱۹۲۱ میمعی میان دولت ایران و روسیه شروعی معاهده ای شامل ۲۶ فصل منعقد شد و با استناد مفاد فصل پازدهم آن دولت ایران پس از پکند و پیست سال و اندی که حق حاکمیت بصریش در دربای خزر بر اثر معاهده گلستان و ترکان چای سلب شده بود باز حق یافت در دربای خزر هم نبروی دربای داشته باشد و هین آن فصل چنین است :

» فصل پازدهم - نظر باینکه مطابق اصول یافان شده در فصل اول این عهد نامه ، عهد نامه منعقده در ۱۰ فروردین ۱۸۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمانچای نیز و فصل ۸ آن حق داشتن بصریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است لهذا طرفین مظمنین معاهدتین رضایت می دهند که لازم زمان امضاء این معاهده هر دو بالسویه حق کشی رانی آزاد را در ذیر برق های خود در بصر را شته باشد . «

دولت انگلیس هم از جانب دیگر برای اینکه سیاست فریاده و خوش ظاهر دوس ها ، ملت چشم و گوش بته ایران را در دهان باز و در بدنه ، خرس شالی « پنهانکار خود را ظاهراً از محنه سیاست ایران کنار کنید و از مداخلات علني و مستقیم در امور داخلی ایران خود داری کرد و بهلاوه روی خوشی هم درباره ای موافق با اولیای ایران نشان داد و در نتیجه این تغییر روش های سیاسی بود که بالاخره در سال ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ شمسی نخستین خشت بنای نبروی دریانی ایران بدست اعلیحضرت نقبد گذارده شد و بصریه ایران موجود آمد و چون دیگر شرح تحولات آن از موضوع بحث ما خارج است سخن خود را بهمینجا ختم میکنیم .

www.KetabFarsi.Com

## متن

نیزه دایی که بگانگان  
بعل خود در ایران بیشتر دارد و آورده اند

## مهم

### بادداشت

ما در این بخش از نیروهای نظامی صحبت میکنیم که دولت‌های پیشگانه بمقتضای میل و مصالح خود روزی در ایران بوجود آورده‌اند و یا خواسته‌اند بوجود آورند ولی چون این سازمان‌ها از طرف دولت ایران رسیدت نیافرته‌اند و حتی غالباً نسبت تشکیل آنها اعتراضی هم شده است، نمیتوان آنها را جزء نظام ایران محسوب داشت و دو ردیف عناصر مشکله‌نشون ایران بشمار آورد و بهمین لحاظ هم ما در کتاب خود در بخشی جداگانه تحت عنوان مهم از آنها صحبت می‌کنیم و این قسم از کتاب ما بیشتر، از این جهت حائز اهمیت است که خوانندگان را پس از مطالعه فکر و مباحث پیشین کتاب و وقوف بر نیات و دسایس پیشگان در یکی از شنون حساس اداری و اجتماعی‌ها، بخودسری‌ها و خود مختاری‌های ایران آشنا می‌کند که تا چه اندازه از ضعف و بعراوهای حکومتی کثور ما بینع خود استفاده کرده‌اند و در تشکیل آن نیروها و سازمان‌ها، هرگز باین اصل فکر تکرده‌اند که افادام خود سرانه آنها تعاظز بحقوق و استقلال ملت یک کشور ای طرفی است و در این زاده نیز قدم را تا جایی پیش می‌داشته‌ند که با اعتراضات و سر و صدای دولت‌های نپمه جان آن روزی و ملت ایران هم وقع و آرتیب اثری نداشند.

## یک نیروی محرمانه

### نقشه محرمانه انگلیسی ها :

چنانکه از اسناد انگلیسی بر می آید دولت انگلیس در سال ۱۹۱۵ در نظرداشته بک قشون منظم ولی محرمانه در ایران تشکیل کند.

از این نقشه محرمانه اطلاع مرسولی در دست نبست و شاید اگر قبول گردد انگلیس در شیراز در سال ۱۹۱۵ توسط آلمانها توپیف نمی شد و اسناد آنها بدست آلمان ها نمی افتداد (۱) هر کز از این نقشه محرمانه مسیو نمی شدیم و این اعلام کرایه را که برای تاریخ و ارتش ایران فوق العاده مهم و ذی قیمت است نمی باقیم درین بیکی از همان اسناد این نکته ضبط است و از آن می فرمیم کسر والتر نولی (۲) وزیر مختار انگلیس در طهران در نظرداشته دسته قشونی مرکب از ۵۰۰ سوار بختیاری تشکیل کند و کلذل مریل امریکایی (۳) را که شرح اقدامات آن در پیش زاندار مری آمد فرماده آن قیمت نماید.

این سند عتیر و مهم نکتویست که کلذل مریل موصوف بتاریخ ۴ دی ۱۹۱۵ (مطابق ۲۱ ذانویه ۱۹۱۵) از طهران به ازور اکونور (۴) قبول شیراز نوشته است، در آر میتوید:

« سروالر بک نقشه محرمانه دارد که مرارتب ۵۰۰ سوار بختیاری در طهران بکند و هر چند که این تکلیف را بتوان قبول کرد ولی گمان میکنم که این فرماندهی فقط وقی خواهد بود و بعد از رفع احتیاج منقطع خواهد شد » (۵)

۱- راجع توپیف قبول انگلیس و بدست آمدن اسناد توکری در فصل زاندار مری دولتی بتفصیل صحبت کرده ایم رجوع شود باان فصل .

Sir Walter Townley - ۲

Colonel Merrill - ۳

Major O'Connor. - ۴

۵- ص ۱۶۳ کتاب کشف تایپس

اطلاع بیشتری از این نقش معرفمانه نداریم فقط همینقدر میدانیم که نقش آن در موقفی طرح شده است که صحبت از رفتن افسران سوئدی از ایران در میان بود و وزانه امری، آن انتظارانی را که انگلکسی ها میداشته بروند بیاورده بود از طرفی هم روسها وارد خاله ایران شده بودند و طهران دچار آشفتگی و هرج و مرح خاصی گردیده بود ... در یکه چنین موقع حساس و باریک است که سروالتر تونلی نقش معرفمانه خود را طرح میکند تا با در اختیار گرفتن سواران بختیاری از مصالح و منافع دولت منبوع خود نگهداری نماید و چنانکه از معاد نامه مربل بر می آید تشکیل این نیرو موقت بوده و بد از رفع احتیاج (۱) منحل میشد ولی چنین دسته ای تشکیل نیافت.

در اینجا بی مناسبت نیست شرحی را که لرد کرزن در کتاب خود درباره بختیاریها و تشکیل نیروی نظامی از میان آنها نوشته است نقل کنیم چه ، باید دانست که سروالتر تونلی در تشکیل نیروی معرفمانه خود از اینگونه نظریات که سپاهان انگلکسی در کتب خود ارائه کرده اند پیروی نموده است :

کرزن مینویسد : « از بختیاریها میتوانند قشون تشکیل داد چنانچه در بعضی چاهه گفتم « (۱) و در یکی از همین چاهه که بدان اشاره کرده نوشته است :

« مسکن است بختیاریها در آینده با قشون اروپاییها برابری کنند عجالات خیلی عاری از نظم میباشندو تک تک فره خوبی هستند ولی قوه اجتماعی آنها بواسطه نداشتن نظم چندان تحریفی ندارد . » (۲)

۱ - ص ۴۰۷ تاریخ بختیاری .

۲ - ص ۱۱۵ همان کتاب .

## پلیس جنوب

### نقشه های اولیه :

چنانکه در فصل سربو طبز اندار مری دولتی دیدیم نفوذ و قدرت روز افزون رو سها که در سایه سر نیزه های بریگاد فراق توسعه می بافت انگلیسی ها را بخاطرات و تهدیداتی که برای صالح دولت انگلستان منصور بود متوجه ساخت . درقبال این توجه مقنه تشکیل يك قوه پلیس بومی برای حفظ امنیت راههای جنوبی طرح شد .

قدیمترین سندی که در خصوص پیدایش این نقشه در دست است پاد داشتی است که بعدها بتلگراف مورخ ۶ ذانویه ۱۹۰۲ لرد لانسداون وزیر امور خارجه انگلیس خطاب بر آرتور هاردیتک وزیر مختار انگلیس در ایران ( از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵ میلادی ) صمیمه شده .

در این پاد داشت میتوید : « در پنجم ماه مه ۱۹۰۳ لرد لانسداون در مجلس اعیان اظهار نمود ما کوشش کردیم که تجارت و نفوذ بریطانيا را بهر وسیله ای که در دست داریم تأثیر و تشویق نمائیم و همچنین بروزه های متعددی دوی همین زمینه از قبیل تشکیل يك قوه پلیس بومی برای حفظ امنیت راههای جنوبی تحت مطالعه است » (۱) و چون در این ایام روسها بریگاد فراق را تحت نظر افسران خود در ایران تشکیل داده بودند بی شک انگلیسی ها هم در تشکیل این « قوه پلیس بومی » فکر می کردند که فرماندهان آن نیرو از افسران انگلیسی باشند و با از جای منصبان دولتی دیگر ، اما واضح بود که در آنسال و حتی سالهای بعد اقدام با هجام چنین نقشه ای تحت نظر افسران انگلیسی صلاح نمی بود و بهمین ملاحظه از تشکیل نیروی بومی برای حفظ راههای جنوب زیر نظر و فرماندهی صاحب منصبان انگلیسی صحبتی بیان نیامد و در سال ۱۳۲۹ هم که در صحنه رقابت ایران کارد باستخوان انگلیسی ها رسیده بود و فنی خود را در مقابل بریگاد فراق بشکیل نیرویی مستقل مجبور پا نمود شق گانی آنرا اختیار کردند که بصورت زاندار مری دولتی در آمد و ما شرح مبسوط آنرا دیدیم .

بهر حال قدیمترین تاریخ پیدا بش فکر تشکیل پلیس جنوب که تاکنون اطلاع داریم سال ۱۹۰۳ میلادی است.

### سند دوم :

سند دوم مربوط به سال ۱۳۲۹ فروردین که زاندارمری ایران در حال تکوین بود اما بسبب نهی بودن خزانه دولت و کار شکنی های روسها کار تشکیل آن خیلی با کندی میگذشت. انگلیسی ها چون در این موقع چندان اطمینان و اعتمادی نداشته بیش نیروی مزبور نداشتند بلکه افتدند نیروی مزبور را نهضت فرماندهی افسران خود تشکیل دهنده و دو ابتدوره سندی بسیار معتبر موجود است و آن تلگراف است که سرادر اردگری وزیر امور خارجه انگلستان بر جارج بوکانن سفير کبیر دولت انگلیس در سن بطری و رک تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق با ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۹ مخابره کرده. در این تلگراف چنین ذکر شده:

« چندی قبل ما پیشنهاد نموده بودیم که دولت ایران باید رای تشکیل فشون منظمه بجهوت تأمین طرق جنوب صاحبمنصبان انگلیسی بگمارد (۱) »  
و چون میدانستند روسها راضی باشند این امر نخواهند بود، برای اینکه آنها را هم با خود همراه کنند در این طرح خود ضمناً پیشنهاد کرده بودند که نیروی هم نهضت فرماندهی افسران روسی در شمال ترتیب داده شود که مرآقب حفظ انتظامات در شمال ایران باشد (۲).

منتهی چون در این طرح باید روسها هم بروان آمدند بود مراجعت ایرانیان شدند و دولتین مجبور شدند از اجرای آن سرفراز کنند (۳) و طوانی هم نکشید که زاندارمری ایران نهضت فرماندهی افسران سویی علم گردید و بنشکیل پلیس جنوب زیر نظر صاحبمنصبان انگلیسی اختیار چیزی بیندازد و تابس آن وقت دیگری موکول گشت.

اما زاندارمری دولتشی همچنانکه دیدیم نتواست نبات و مقاصد خاص انگلیسی ها را برآورد چه رفت و افسران سویی در باقیه که انگلیسی ها قدر داراند آنها را آلت اجرای نبات و مقاصد خود نمایند آنهم نبات و مقاصدی که با اصول خدمتگزاری ایشان نسبت بدورات ایران وفق نبودند، این دلایل میانه انگلیسی ها و سراندیها شکر آب شد و انگلیسی ها بلکه « دست بر کردن » سوییها (اوائل سال ۱۹۱۵) و تشکیل نیروی بومی نهضت نظر و هدایت عمل خوبش افتدند و سند ما در این مورد نامه ای است که کلائل مربل امریکائی بناریخ ۴ ربیع الاول ۱۳۲۲ مطابق با ۲۰ ذیحجه ۱۹۱۵ بازور اکونور جنرال فون ول انگلیس در شهر از نوشته است: در این نامه توشه شده:

۱ - تلگراف ۲۷۲ جلد ۴ کتاب آبی .

۲ - همان تلگراف.

۳ - رجوع شود بسبعده از فصل چهاردهم همین کتاب .

«سروالتر(۱) نصوح میکند شاید لازم باشد بک نشون مستعین دیگری ایجاد کرد و اشاره کرد که من دلیس آن نشون باشم .» (۲)

این نشون منظم و منفل جز بیرونی که بد ها بصورت بلیس چوب تشکیل شد نمیتواند باشد . اما باید دانست که این نکر و در این ایام هنوز بر سرمه تضمیم نرسیده بود و انگلیسی ها در راندن سوادیها و تشکیل چنان بیرونی مرد بوده اند چنانکه سروالتر تولنی سفیر آن دولت در بک مراسله رسی خود مورخ بنا بر ۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۲ (۳ مارس ۱۹۱۵) بتصویب مینویسد :

«این موقع بنظر من هیچ مناسب نمی آید که صاحبمنصبان خارجه قرار اوران را تغییر بدهند . صاحبمنصبان انگلیسی شاید در دست نباشد و اگر امروز دولت ایران را مجبور کنیم که آنها را قبول نماید ممکن است که از خبلی بدی بیخشد : برای بک صاحبمنصب امر بکای هم این شغل بسی دشوار است .» (۳)

### دولتشکر پازده هزار تقری :

در همان ایام که انگلیسی ها در فکر «دست بسر کردن» سوادیها بوده اند یعنی اوائل سال ۱۹۱۵ آلمانها در میدانهای جنک پیشرفت‌هایی حاصل کردند و این پیشرفت‌ها و توفیقها موجب اضطراب و نگرانی منطقه شد و ایشانرا همکاری نزدیکتری مجبور نمود و برای این اختلافها و نزدیکی ها عهدنامه های معزمه و سری اتفاقات بافت که ناسال ۱۹۱۷ کسی از وجود و کیمیات آنها مطلع نبود ولی چون انقلاب روسیه بیش آمد حکومت انقلابی، آنها را خیمن دیگر استاد و اسرار حکومت نزاری منتشر نمود و منت عاقدهای عهدنامه های مزبور باز شد .

عهدنامه های سری مزبور میان منطقین از یکطرف و روسیه نزاری از طرف دیگر منعقد شده بود و غرض اصلی آن بود که روسیه را بوساطه دلکرم و راضی کنند که فداکاریهای بیشتری در راه پیشرفت و پیروزی منطقین منعمل شود .

ما در اینجا کاری بجزئیات این عهدنامه ها نداریم : فقط از یکی از آنها که میان انگلیس و روس در باوه ایران منعقد گردیده صحبت می کنیم :

بموجب این معاهده، مناطق نفوذ دولتين در ایران که بر حسب فرادرداد ۱۹۰۷ وجود آمده بود تصدیق شد و منطقه پیطرف از میان رفت بعلاوه دولتين روس و انگلیس برای خود، این امتیاز و حق را ذاتی شدند که بتوازن هر یک لشکری از سر بازان ایران تحت هدایت و فرماندهی افران خوبش در مناطق نفوذ خود تشکیل و نزدیک داشته . چون این موافقت میان دولتین حاصل گردید تضمیم راندن سوادیها انجاع دارد

- ۱ - سروالتر تولنی Sir Walter Townley وزیر مختار دولت انگلیس
- مقيم ایران در اوائل جنک بوده است .
- ۲ - می ۱۶۲ کشف تلیس .
- ۳ - ۱۵۵ کشف تلیس .

طی همان سال هم بین ملل عمل کنارده شد . ولی برای تشکیل لشکر های مزبور بهانه ، لازم بود تا راجع بآن بادولت ایران وارد مذاکره شوند .

اما نه این اومناع تمامه بعنوان ۱۳۲۴ (ژوئیه ۱۹۱۵) کشیده شد . در این موضع قضیه ، روف مهاجرت در ایران بوجود آمد که برای خود در تاریخ سیاسی معاصر ایران جایی برگزی باز کرد . و بدینال این مهاجرت منازعات غرب ایران رش داد . در این چنگها که میان عذمایها و ایرانیان بودایت افغانستان آلمانی با روشهای وقوع یافت با تاریخ ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۲۴ موقوت و پیش روی با روشهای بود ، در هیجده ماه اسکله بیان زاندار مری را از بوئنها تدوین کرد و تحت نظر عمل خود قرار دادند و این نخستین قدمی بود که برای تشکیل بلوس جنوب برداشته شد .

از تاریخ جمادی الاول مزبور بعده بیکر ورق برگشت و عقب اشیای روشهای در معاور قبضه شدند و کبیرانهان و همدان و قزوین آغاز گردید و عذمایها باین تحت مردم شدند .

این اوضاع بسیاری بیش آمدن فرای عذمان و عقب نشینی مدام روشها که عصانع دولتی روس و اسکله را در مقابله میانداخت سبب شد که سفارتین روس و اسکله ای از اوایل رمهان ۱۳۲۴ (اوایل ژویه ۱۹۱۶) در هاب تشکیل دو لشکر منظور خود بادوند ایران وارد مذاکره شده و همین نظر در ۱۹ (ژویه) (رمضان) و اول اوت (اول جولی) سفارتین دو بادداشت محدود امیان بگاهی سپاهالار سلام کردند که توافقات دیگری هم ضمی آن داشتهند و کاریته سپاهالار بالاخره برانز فورس مزبور سفارتین پیشنهادهای آنها را پذیرفته متوجه راه گریزی برای خود باز بود بایهی که نقطه پیشنهادهای اموکو ، پنجه بیب مجهلس کرد .

با همایت توپور و احراهار و صون بادداشت محدود امیان ، سفارتین دولتین نفعی بین روس و اسکله مورد ۱۹ (ژویه) و اول اوت ۱۹۱۶ راجع پیشنهادهای اموکو مبنی اصلاحات ، امور مدنی و مالی دولت علیه است رحمت اهر گردید . ما نهادت شعب و سرب و افچار امسان فاسی از اسکله اولیاء ، خود سین محیمین نامن بوجه و نظر مودت آمده این اصلاحات درا وجه سطر خود فرار ماده و اولیاء دولت علیه را در داعی این اصلاحات که منضم نرفت و هانی این مملکت بر ترمی و سلط تجارت و تروی ایران است شکوه مساعده ، بجهاد جواہر استعشار خاطر محترم او لیای سفارتین فضیلین ، و این سانه و اولیاء دولت علیه با سفر ترجمه پیشنهاد های دامکو نگری ، نظر باوضاع کویی (فرس مازور) خبول پنهانیه بر که فوای نظامی بده بیست و دو هزار غیر در تحت تعیمه .

دو نویسندگان مسلمین دوس و انگلیس در تحت اواخر «روزات هنر دولت علیه ایران تشکیل گردیده در انتظام و» «استفاده امنیت حکومی بوده و از حسن مساعدة اولیای» «دولتین فحیبین دوس و انگلیس در اهرا و استفاده این» «مسلمین و برداخت مطابق لازمه این تشکیلات که متنین مساعدة» «مالی با این دولت است نیز مرائب سرت طلب خود را اظهار» «مسایعه و در این موقع خاطر نشان میباشد که تشکیل پکمده» «نظمی پایه داده معاذل ماهی یعنی هزار تومان بیرون از نوای» «نظمی فوق الذکر در مرکز نزدیک و تشکیل خواهد بانت.»

۱۰ - راجع باصلاحات امور مالی دولت علیه ایران

«بررسیه بسط و توسعه و اخبارات کبیرون مختلف.

۱۱ - و اینکه اولیای دولتین فحیبین مساعدة و کله» «مالی و برداخت ماهی مبلغ دویست هزار تومان برای» «صادرات لازمه تصور و قبول فرموده اند منتها خوشوفی» «و صرف حاصل گردیده امیدوار است چنانکه مردم فرموده اند» «در اجرای برداخت مالیاتی متفهم و غیر متفهم انجام» «خارجی کیسیون مختلف بزودی موفق گردد و از طرف مختارین»

«فحیبین هم در این باب مساعدة های لازمه جمل آبد.

۱۲ - اولیای دولت علیه ایران این بروزات موقت آمیز»

«در اکه حاکمی از بات حادقه و توجه قابل تدبیر اولیای» «دولتین فحیبین در نوی و تعالی این سلک است با نظر» «خوشوفی و صیبی مینگرند و امیدوارند که از این بدل» «موافقت و مساعدة معنوی سامی و جامد بوده و هماره از» «مساعدة و کله دریافت نیات حنه اولیای این دولت درین» «خرماينه»

«در خانه از ذکر این نکه ناگزیر است که باورهایت»

«سفررات خوابی که اساس تشکیلات دولت علیه ایران بروآن» «است و نظر برآد متوجه قانون اساسی این پیشواد ها در» «موقع افتتاح مجلس شورای ملی و سنا بتصویب و تمهیق مسلمین» «خواهد رسید (من موافقت نامه) کایه سپهادار - نعل از نارنج صحن امزا - مجازی س ۲۵

بوجب این موافقت نامه دولتین دوس و انگلیس اجازه باشند که دولتشکر بازده هزار نفری در مناطق نفوذ خود تحت نظر و تعلیم افسران خوبش تشکیل دهند.

### پلیس جنوب تشکیل می‌باشد :

با اینکه زد و بند ها و فزینه سازیها، قضیه امتیاز در لشکر بلزده هزار نفری رسمیت نیافت زیرا چنانکه منع کر شدیدم سپهبدار ( سپهالار ) آنرا موکول بتصویب مجلس اموده بوده و جلاوه دوسره روز بعد از موافقت مذکور، کاینه سپهبدار بسب نزدیک شدن قشون عثمانی به شهران و اعتراض ملث و جراحت سپهبدار، در روز ۱۲ شوال ۱۳۳۴ ( مطابق با ۱۲ آوت ۱۹۱۶ ) مفروط کرد و موافقت نامه او بر اعشار ماند. کاینه بعدی هم که برپاست و نووق الدوله روی کار آمد آنرا پذیرفت.

ولی در خلال همین اوضاع دولتین دوس و انگلیس دست بکار محدود خودشندند. روسها امتیاز مزبور را با امتیاز توسعه بریگاد فراق تطبیق کردند و بتوجه سازمان فراز ناحدود بک لشکر شروع نمودند و ما شرح آنرا در فصل مردم طی بفراغتهانه بتصویل دیدیم. و انگلیسی ها هم نبروی مزبور را تحت عنوان « تشکیل جنوب ایران (۱) » که مسامعه اسپیا (S.P.R) و پلیس جنوب میگفتند تحت فرماندهی زنگان سر بررسی سایکس (۲) و بکمده از افسران انگلیسی قشون هندوستان تشکیل دادند. کاینه و نووق الدوله که خود را در مقابل عمل انجام شدهای یافت برای اینکه لااقل تأثیرات آنرا تا اندازه ای تعدیل نموده باشد موافقت کرد که پلیس جنوب فقط تا پایان جنک بطور موقتی در فارس و کرمان دایر باشد و بدین ترتیب سازمان لشکر جنوب مرکب از دو بریگاد بکی در کرمان و دیگری در فارس تشکیل یافت ولی کاینه های بعد از ونوق الدوله که روی کار آمدند آنرا بر سمت نشناختند (۳).

تشکیل پلیس جنوب نه تنها مواجه با اعتراض دولت ایران گردید بلکه عامه و جراحت و احزاب هم با انگلیسی ها ناخت و تشکیل پلیس جنوب را مقدمه تصرف نظامی ایران تلقی کردند و این مخالفتها و اعتراضات بجهانی کشید که قضیه در مجلس معمونان انگلستان هم مطرح شد و بکی از نایمه گان انگلستان موسوم به داوودیوس در روز

. South Persian Rifles - ۱

. General Sir Percy Syx - ۲

۳ - اینکه لرد کرزن در طی نطق ۲۱ زانویه ۱۹۱۸ خود گفت بود : « حکومت ایران صورتاً پیشنهاد دولت اعلیحضرتی را در تشکیل این کار و بعده گرفتن تمام امور آن و تعیین عدهای صاحب مقنص اسپهالار پذیرفت » گویا اشاره بر اتفاق و نووق الدوله بوده است متوجه مستر سکریون کفیل غون و لکری انگلیس در کرمان و قصی قستی ار نطق لرد کرزن را در ۲۳ دی ماه ۱۳۳۶ مطابق با ۲۶ فروردین ۱۹۱۸ در کرمان منتشر نمود این عبارات را بدینگونه تاوبل کرد که « رفع شبیه لز نوابی دولت علیه ایران شده و رسماً این قشون را قشون ایرانی شناخت » ( روزنامه ایران ۱۸۷ سال هوم )

۲۹ دسامبر ۱۹۱۷ ( مطابق با ۱۴ دیم الاول ۱۳۳۶ و ۸ جدی ۱۲۹۶ ) درباره این شایعات از دولت توضیحاتی خواست و دولت انگلیس ختن اینکه شایعات مزبور را تکذیب کرد تشکیل بلیس جنوب را بک مساعدت و کمک مبنی بر دوستی و صلح است نسبت با ایران هم معروف نمود و از لحاظ اعیان موضوع پیمانه است نیست من اظهارات دولت انگلیس را که خبرگزاری رویترز بناریخ ۱۱ دیم الاول ۱۳۳۶ ( ۳۱ دسامبر ) منتشر نمود از روزنامه ایران در اینجا نقل کنیم :

منزه نیارلا از طرف دولت انگلیس چنین باسخ داده بود :

« بلیس جنوب فقط برای نامین و اعاده نظم جنوب ایران میباشد. این مسئله رای منافع و مصالح طرفین ایران و انگلیس که در جنوب تجارت همی دارند مفید میباشد. در این موقع انجام این وظیفه از قدرت ایران که خزانه و مابای اقتصادی آن نهی است خارج بود وجود قوه مزبور در ایران نباید چنین تغیر شود که بعثی انصراف دولت امپراطوری از پلیتیک دوستانه و معروف خود با شخص تمدن است باستقلال ایران می باشد و طبق اولی نباید نصوح کرد که دولت بر بطن ایالات ایران را داشت است ( ۱ ) »

- ۱) من نصوح می کنم در موضوع رو به و خدمت بلیس ،
- ۲) جنوب ایران که در نعت ریاست سر بررسی سابقکن تشکیل »
- ۳) با فته سوه هنی حاصل گردیده است .

- ۴) چند سال متوالی در خطمانت جنوبی ایران قوه بلیس ،
- ۵) با زاندارمری که وظیفه عده آن حفظ نظم و نامین شوارع ،
- ۶) عده تجارتی بود وجود داشت .

- ۷) از ابتدای ناسیں غوه مزبور و مدنه به از جنک »
- ۸) فرماندهی و ریاست زاندارمری بهده صاحبمنصبان سوئی »
- ۹) بود . در سال ۱۹۱۵ بس از غیرت صاحبمنصبان سوئی »
- ۱۰) قوه مزبور منحل شده [ ۱ ] و بی نظری مجدداً مرساندام »
- ۱۱) کرد

- ۱۲) حکومت ایران ضرورت ناسیں غوه جدیدی را ،
- ۱۳) بجای قوای منفصل شده ( زاندارمری احساس نمود ولی ،
- ۱۴) با این وظیفه قادر نشد . از این جهت حکومت ایران :
- ۱۵) سورتا پیشنهاد دولت اهلیحضرتی را در تعییل این کار و بهده ،
- ۱۶) گرفتن زمام امور آن و تعیین عده صاحبمنصب انگلیس »
- ۱۷) بذریغت . بس از شروع عده زیادی از زاندارم های سان »
- ۱۸) در نظام پذیرفته شده و قوای مزبور استحکام نهاد .
- ۱۹) مرکز این نواحی شورا از معین گشته و نایرات سریع آن »

« از امداده امنیت محلی و تجدیده روابط تجاری مخصوص »  
« گردید ». \*

« پلیس جنوب از اول بک قوه ایرانی بوده و چندها »  
« نیز خواهد بود حاضر طرفدار آلان که ما بدسايس آنها »  
« آشنا هستیم فوق العاده کوشش کردند که پلیس جنوب »  
« را فسخی از قشون انگلیس یا هند جلوه دهند که مشغول »  
« تصرف نظامی ایرانند ، اما واضح است که هر گز چنین چیزی »  
« بوده بلکه پلیس جنوب در ترکب و هیئت و اطاعت »  
« بک قوه ایرانی است . اول کسی هم که از بزم خوردن »  
« آن خاوت بینه خود ایران خواهد بود . مکرر و زیر مختار »  
« ما در طهران این نکته را بدولت ایران خاطر نشان کرده »  
« و با اینکه هواخواهان آلان حقیقت را بطور دیگر »  
« و وابسته می کردند سیاستون ایران حقیقت را ملتنت شده اند . »  
« بک دلیل محکمتری در سیاست ما این است که »  
« ما حاضر شده ایم اگر بک کایته نایبی تشکیل باید راجع »  
« باشه پلیس جنوب برای بعد از ختم جنگ هم استقلال خود »  
« را حفظ کند . »

برای این متنله که هم احسان ایرانیان را تسکین »  
« داده هم استقرار امنیت در طرق مناسب و منافع تجاری »  
« را تأمین می کند اشکالی نیست و اگر این قوه نباشد »  
« افتخار دولت ایران دچار مغایطه می گردد . »  
« مقصود بگانه دولت ما اینست که برای ایران بکفره »  
« نظامی ایجاد نمود و مکرر مساعدت خود را در این »  
« زمینه بتوسط سپر غابل خود بدولت ایران ثابت کرده ایم . »  
« ( تضمین لرد کرزن که در تاریخ ۲ ربیع الاولی ۱۳۳۶ ) »  
« مطابق با ۲۱ ذانویه ۱۹۱۸ در مجلس امیان ایراد شد ) »

### مخالفت های احزاب با پلیس جنوب :

چون در مبحث ییش از اعتراضات ملت و احزاب سیاسی ایران نسبت تشکیل قشون جنوب صحبت بیان آمد بی مناسب نیست برای تکمیل تاریخچه خود شرح یکی در فقره از مخالفت های احزاب سیاسی ایران را با مآل پلیس جنوب در اینجا منذ کر شویم :

### فقره اول :

عمل خود سرانه انگلیسی ها برای تشکیل قشون جنوب و بعد هم اصرار آنها

بدولت های وقت ایران که آن نیرو را بر سریت شناخته و جزئی از قشون دولتی ایران تلقی کنند و نیز اینکه مقاون همین احوال دولت انگلستان نیروی هندی و انگلی بغاک ایران وارد کرده بود، احساسات ملت ایران را با شدت هرچه ساخت برخداها بر انگلیستنه بود و احزاب سیاسی هر روز نسبت بسیاست انگلیستی ها سخت مینامد، تا اینکه بدنباله همین تهییج احساسات کلیه طبقات و احزاب سیاسی مجتمعا فرار گذاشتند متینک بر شور و مهیجی بدنهند و این متینک که سخت موجب اضطراب و نگرانی انگلیستی هاشد، قرار بود روز پنج شب ۱۶ جمادی الاولی ۱۳۳۶ (۲۷ فوریه ۱۹۱۸) و ۶ حوت ۱۳۹۶ (۱۹۱۶) ساعت بخوب در میدان توپخانه داده شود، در آگاهی آن نوشته شده بود «بر علیه تجاوزات چاپرانه و حق شکنانه دولت انگلیس که استقلال و ملن و شرافت ملی ما را دست خوشن هوی و هوس خود قرار داده یک متینک عالی و باشکوه از طرف عدم طبقات و احزاب سیاسی داده خواهد شد». در این متینک ملت ایران با یک مناسن جملی مقاومت اخلاقی خود را در مقابل این اقدامات خانمان ظاهر و آشکار خواهد کرد»<sup>(۱)</sup>.

اعلان مزبور که در شماره ۱۳ جمادی الاول ۱۳۳۶ (۲۴ فوریه ۱۹۱۸) روز نامه ایران منتشر شده بود سفارت انگلیس را سخت بست و با انداخت و باد داشتند بوزارت امور خارجه ایران فرستاد که متن فارسی آن این است:

«چون باطلانع سفارت انگلیس رسیده که بواسطه سوء تفاهم معلوم میشود سیاست دولت انگلیس بیت با ایران مورد سوء فتن بعضی احزاب ایران شده است لمندا سفارت امی محضرت پادشاه انگلستان مایل است دولت علیه را مستحضر سازد که سیاست دولت انگلیس نسبت بدولت ایران کاملا ازدروی دوستی است و سفارت انگلیس حاضر است هر رأ با دولت علیه برای ترتیب دوستانه در مسئله قشون جنوب و احصار قشون انگلیس از ایران بطوری که متنزه مبالغ دولتین بوده باشد داخل مذاکره گردد. سایر مسائل معوقه فیما بین دولتین نیز دوستانه در تحقیق مدققه خواهد بود»<sup>(۲)</sup>.

وزارت امور خارجه، باد داشت مزبور را بوزارت کشور فرستاد که از آن طریق با احزاب مذکور ابلاغ شود و از وقایع غیر عادی که اختیال و توع آن میرفت جلوگیری گردد.

وزارت کشور هم باد داشت سفارت انگلیس را بضمیمه نامه ای مورخ بتاریخ ۱۶ جمادی الاولی که خود بهیات متینک احزاب بوده بود بهیات مزبور فرستاد.

وزارت کشور در این نامه خود بس از منوجه ساختن احزاب به عاد باد داشت سفارت انگلیس انعقاد متینک را مقتضی ندانسته و خواسته بود احزاب از اقامه متینک

۱ - شماره ۱۷۸ سال دوم روزنامه ایران.

۲ - شماره ۱۸۰ سال دوم روزنامه ایران.

صرف نظر کند (۱) ولی چون نامه مزبور روز ۱۶ چمادی الاولی قبل از ظهر چنی همانروز که می باید مبنیک مسحود انقاد باید بهیات مبنیک رئیسه بود و دیگر اطلاع بیشتر امکان نداشت، جلسه مبنیک در ساعت مسحود منعقد شد منتهی جریان انداماتی که منجر عدم سخنرانی ها شده بود با استحضار عامله رئیسه \*

### فقره دوم :

تشکیل نیرویی منظم مانند پلیس جنوب که شامل ۵۸۹۳ نفر افسر و سرباز و ۳۰۷۳ رأس دواب میبود درین قحط و غلامی که بر اثر چنک در ایران پیش آمد و ادامه داشت، خواه ناخواه باور نگینی بود که بر دوش ملت گرسنه و خسته ایران که پیشتر موجیات تضییق آذوقه را فراهم می ساخت و چون با حسیات تنفس آمیز ملت ایران نسبت بسیار انتگلبی ها، وجود قشون جنوب توأم بشد، ملت و احزاب را باقداماتی و ابداعی که مخالف نیات و مصالح انگلیانها می بود. بهین ملاحظه کپنه فرقه دموکرات شیراز در اول رجب ۱۳۳۶ ( مطابق با ماه نور ۱۲۹۷ و آوریل ۱۹۱۸ ) بیانیه ای صادر کرد و پیش فروش محمول را منوع و تحریم نمود. گرچه در بیانیه مزبور اسمی ازانگلبی ها نبرده بودند ولی با در نظر گرفتن اینکه جز انگلیان کسی دیگر در منطقه جنوب مباردت پیش خربه محمولات نمیکرد شکی باقی نمی ماند که قصد اصلی از انتشار بیانیه تولید مزاحمت برای انگلیان بوده است.

انتشار بیانیه مزبور سبب شد که فوتوسول انگلیس در شیراز اعلامیه ای بلند بالا منتشر نمود ( دهم نور ۱۲۹۷ ) و در طو آن عامله جنوب ایران بالآخر فرقه دموکرات

شیراز را تهدید کرده و نوشته بود : « چون از تغییر رویه حسنه ممکن است نایج سوه حاصل گردد لهذا مجبورم که مسلکی خیر از این اتخاذ کنم و تجربه ای فیراز تجربیات گذشته نمایم. بجزاره اخیری

۱ - متن نامه وزارت کشور بهیات مبنیک احزاب این است : » هیئت محترم مبنیک - بسوجب مراسله فوری که از وزارت جلیله امور خارجه بوزارت داخله و اصل شده است نظر بشایه مبنیگی که امروز بر ضد عملیات انگلیانها در خاک ایران در میدان توپخانه داده میشود از سفارت انگلیس مراسله بوزارت امور خارجه رئیسه است که دولت فخریه انگلستان حاضر است ذوراً بدولت علیه ایران برای ترتیب دوستانه در خصوص پلیس جنوب و اعضا قشون انگلیس از ایران داخل در مذاکره گردد. وزارت جلیله امور خارجه نظر ہوصول این مراسله سفارت انگلیس بوزارت داخله خاطرنشان نموده که با این حال اقامه مبنیک مقتضی نیست و وزارت معزی البها تقاضا فرموده اند که وزارت داخله سریعاً در این موضوع اقدامات مقتضی بعمل آورد. این است که نظر آن هیئت محترم را بهقاد مرقومه وزارت جلیله امور خارجه متوجه و بعد انقاد مبنیک امروز جلب میباشد. وزارت داخله » ( شماره ۱۸۰ سال دوم دوز نامه ایران )

با شرار و آشوب طلبان بقیه مانم که از رفع شر و جلوگیری از ابعاد اندک  
و آنچه تاکنون مرسول داشته‌ایم برای آن بوده تا بداتند که نامجبور نگرمان شر  
بیشه نمی‌کنیم . . . ناگزیر این مسئله را تذکار مبذده که بواسطه رایر چنان و آنچه  
در تقویب بعضی اشتہارات جاریه حوصله نظامیان مانند شده و صبر آنان را با تمام رسابه  
و قوه استماع و استدراک این احوال و اعمال در آنها باقی نمانده است . از آنچه ملکه توبه  
آذوقه برای نظامیان قشون جنوب ایران و غیره است که از بدو ورود اینجا به وچرال  
سربرسی سایکس تاکنون که فریب دو سال است برای خردش جنس از هر قیل آنچه با  
نهین قیمت خواسته‌اند بولطلای و تقد عاجلا برداخته شده . . . سابقاً شنیده شده از طرف  
بعضی اشخاص پاره دسایس و تعریفکات برای جلوگیری از خرید جنس قشون جنوب  
ایران در کاربوده و اخیراً متعددالمالی از طرف کمیته اهالی دموکرات همه ۴۳۶ مورخه  
غره رجب دیده شده که صریح‌آهالی را از معامله جنس منوع هاشته افراد فرقه را  
از میانه سلم تخریف و تهدید مینماید . اگر چه بظور خناهر مقصود این متعددالمال  
عومی است ولی در صورتیکه روی مطلب بطرف «باباشد میکوئیم پس از وصول حکم  
دولت در موضوع خرید سلم و ابلاغ و اعلان از طرف ایالت جلیله ، تصریم شده که حتی  
بگمن جنس سلم خردش نشود و تا این تاریخ که چهل دوز بعد از عید پوروز است  
موافق این تصمیم رفتار شده است و حتی جنس غیر سلم هم بهلت تگی آمونه خردش  
نشده است (۱) ولی این نیز تعییم شده که در وقت و موقع خرمت هر که از طرف  
مأمورین محترم دولت و بلدیه برای ما نهاده جنس نشود آنچه که برای ملزم باشد از  
عین خرمت ، خودمان تهبه خواهیم کرد . » (۱)

این بیانیه ، خواه مطالب آن دعاوی‌ای صحیح باشد و خواه کند میرساند که  
اقدامات مخالفان میاست امپرالیوری انگلیس و آنها که بادیده نظرت و اعتراض بشکلات  
پلیس جنوب مبنیگریسته‌اند تاچه اندازه خشم و غبظ انگلیسی ها را بران آخوند  
عمل خونسردملاجم انگلستان را که بقول خود « نامجبور نگردنده خشونت شنیده‌کنند »  
و ادار باتشار چنین ابلاغیه‌ای تند و آتشین نموده است .

### یک قوه هنجاور خارجی :

پلیس جنوب با تفصیلی که دیدیم تشکیل شد ولی چون موافقت نامه کمیته سیم سالار  
که باستناد آن نیروی مزبور تشکیل باشه بود بتصویب مجلس نرسیده بود تشکیل قشون  
مزبور در ایران هم امری غیر فائزی محسوب می‌شد بالنتیجه دولت ایران آنرا بررسیت  
تشناخت و هرقدر هم انگلیسی ها سعی کردند تا رسیدت آنرا بدولتهاي ایران بقولاند  
مسکن نگردید و حتی نیز نگهای هم که در اینراه بکار زدند تا شاید اتفاق نماید کرد  
باشند کار گر نیفتد چنانکه در شیراز بفرمانفرماي ایالت آنجا فشار آوردند که در استقرار  
امنیت و استقرار فارس از قشون جنوب تقاضای کمک کند و چون فرمانفرما نقدیرفت

تیرشان بدنگ خورد. و نیز از همان بدو تشکیل پلیس جنوب باب مکاتبه را در خصوص قشون مزبور با دولت ایران گشودند و میغواستند در خلال این مکاتبات شاید انخداشندی کنند و با استناد آن و سبیت آنرا بدولت ایران بقبول آتند تا در مقابل آن معارض پلیس جنوب را بگردان دولت ایران یندازند اما خوشبختانه دولتهای وقت ایران نه تنها کوچکترین سند و مدر کی بدهست ندادند تا پیراهن عذرمان شود بلکه همیشه نسبت بتشکیل سازمان مزبور اعتراض نمیگردند.

ولی عame ملت از این مکاتبات و ارسال مرسولات اطلاعی نداشت و اطلاعات مردم و جراید منحصر با خبری بود که از گوش و کنار جنگ به دست می‌آوردند و اهیت نبوداشت تا بسیکه دولت منوفی‌المالک طی اعلامیه موافق ۶ جمادی‌الاولی ۱۲۳۶ (۲۹ دلو ۱۲۹۶ و ۱۷ فوریه ۱۹۱۸) خود جربان اوخانع را با اطلاع ملت رسانید و ماقون متن قسمتی از این اعلامیه را در نصل فشون منتعدد الشکل نقل کردند این از تکرار آن در اینجا خود داری می‌کنیم.

بعد از او سال نامه سفارت انگلیس که مفاد آن در ضمن ابلاغیه وزارت امور خارجه مندرج است (۱) چندین بار دیگر مذاکرات بهمیل آمد تا اینکه سفارت انگلیس مراسله‌ای بناریخ ۲۸ بهمن‌ماهی‌الاولی (۱۱ مارس ۱۹۱۸ و ۶۰ حوت ۱۹۱۶) در تغییر مذاکرات مزبور بدولت ایران نسلیم نمود که هنن آن این است:

د ٻڌو ریکه او لیاہ دولت ایران مبسوٽ ڪئندہ دولت اعلیٰ حضرتی پادشاه انگلستان همیشہ اوضاع ایران را در نھت نظر و توجہ صیمانه داشته و در این او اخْر همواره سو افقت خود را در موضوع استقلال ایران اظہار داشته اند.

د سفارت انگلیس بر حسب دستورالامار دولت خود اخیراً چندین دفعه بادوات علیه ایران مذاکرات دوستانه نموده و تنها چیزی که خواهش شده این بود که هیات دوستانه خود را کلیه نسبت به صالح دولت انگلیس بطوریکه باید محل توجه قرار دهد.

د برای حفظ ایران از تبعید آنها نیکه از عملیات باشیز و زمستان ۱۹۱۵ بعده مول  
بیوست و امروز نیز همان مخاطرات بخوبی مشهود است چلوگیری نمایند و بالاخره  
نظر بصالح فوق العاده دولت همچوار انگلستان در جنوب به لامحظه هرج و مرجی که  
بواسطه قدران قوه منظم ممکن است بهظور بررسی دولت علیه ایران فشون جنوب را  
بطوریکه حال تشکیل یافته تا آخر جنک رسماً بشناسد . در مقابل دولت اعلیحضرت پادشاه  
انگلستان حاضر میشند که مساعدت مالی و افری بدولت نموده و برای ایجاد قوای  
متعدد اشکلی پس از اتمام جنک برای مملکت که بالاخره فشون جنوب هم منضم بدان  
گردد در تحت نظر صاحبمنصبان خارجه که در خصوص ملبت آنها بعد از این باید بین  
دولتین موافقت حاصل شود کمال مساعدت نمایند (۲)

١ - رجوع شود بفصل شانزدهم مبحث اول «پیدایش فکر فتوون متعددالشكل»

۲ - عماره ۱۸۶ روزنامه ایران سال دوم

وزارت امور خارجه ایران در تعقیب این نامه اعلامیه دیگری بر <sup>۱</sup> همان شماره ۱۵۰ مطابق با ۱۳۳۷ (۲۴ سوت ۱۲۹۶) منتشر شد و وزارت خارجه در طی این اعلام خود بذاکرای <sup>۲</sup> ایران و انگلیس که بعد از تاریخ صدور اعلامیه در میان بوده اشاره کرد، ادعا نمود که این نامه اخیر سفارت انگلیس را هم که ما من آنرا در بالاتر نقل کردیم در سین اندیشه خوبش گنجانیده بود و باد آور شده بود که «این پیشنهادات هنوز بحال خود باقی و تاکنون از طرف اولیاء دولت علیه پذیرفته نشده» <sup>(۱)</sup>

در تاریخ نهضت ایران تالیف آفای حلایق نوشته است: «در هشتم جمادی الآخرین سنه یعنی یکمین سنه تقوی الممالک در قبال یادداشت مذکور فوق پرونده نموده و بلیس جنوب را در پرده عبارات، يك توه متجاوز خارجی خواند» <sup>(۲)</sup> امام مؤمن مزبور مأخذ این خبر خود را بدست نداده اند و ما نیز بدانیم تا پهلوانداره باشند خبر که بسیار مهم است میتوان اعتمادداشت بخصوص که میدانیم در همین تاریخ کلیه جراید طهران بدستور دولت توفیق شده بودند <sup>(۳)</sup> فقط در روزنامه ایران منتشر نیشده و در آنهم چنین خبری یافت نمیشود.

در هر حال دنباله این مذاکرات فطعم شد و ماباز هم در طی تاریخه، خودسته جسته شروعی از آنرا خواهیم دید.

### واعتداری بلیس جنوب:

جناح بین‌المللی تمام شد و بنابر مواعید و قولهایی که هواره دولت انگلستان میداد، دیگر میباید بلیس جنوب باختیار دولت ایران گذارد و میشود اما انگلیسی‌ها میخواستند قوه خود را وقفی تسلیم نمایند که دولت ایران کلیه مختاری را که آنها برای برپاداشتن آن تشکیلات از بدش تشكیلات متهم شده بودند پیردادند و چون دولت ایران تشکیل بلیس جنوب را عملی خودسرانه و بسته‌نخای مصالح تشکیل دهنده گلار نلعنی میگردید حاضر بقبول این شرط نمیشد، انگلیسی‌ها هم بالنتیجه از تسلیم نیروی مزبور خردداری میکردند. طولی نکشید قرارداد معروف میان ایران و انگلیس اتفاق نیافد یاه <sup>(۴)</sup> (۹ اوت ۱۹۱۹ مطابق با ۱۲ ذی‌قعده ۱۳۳۷) و به‌جهت ماده سوم آن فرار شد و دوی ایران منحد الشکل شود و بلیس جنوب هم بدان منضم گردد.

اگر قرارداد مزبور قطعیت می‌یافتد هلاوه بر سایر نیات و مقاصد انگلیسی‌ها که صورت میگرفت باره خارج سینگین تشکیلات جنوب هم ازدوش دولت انگلستان برداشته میشود، اما مساعی کاینه و توقیف‌الدوله که وجود آور نمایند قرارداد بود در اینکه باقرارداد را

۱ - همان شماره از همان روزنامه

۲ - ص ۱۱۳

۳ - رجوع شود بشاره ۱۸۷ روزنامه ایران سال دوم مورخ بتاریخ ۷ مجمادی الآخره که من اعلامیه وزارت داخله در باب تعطیل جراید در آن درج است

بعده شاه برساند و با بسلت ایران بقبولاند بعایی نرسید و بالآخره مجبور شد سقوط کند و کابینه بعدی هم که بریاست مشیرالدوله روی کار آمد فرارداد را موقوف الاجرا گذارد، بالنتیجه مخارج سازمان پلیس جنوب همچنان بگردن دولت انگلستان باقیماند و اینکه موجب اعترافات نمایندگان مجلس انگلستان نسبت بروبه دولت گردید چنانکه در بیکی از جلسات اوائل ماه اوت ۱۹۶۰ (مطابق با اواسط ذیقده ۱۳۳۸ و اوائل اسد ۱۲۹۹) که همین اعترافات شده بود دولت انگلیس در جواب اعترافات را برت سیل نماینده مجلس اظهار داشت :

«کمپیون نظامی که بر حسب معاهده ایران و انگلیس تشکیل یافت دستور و رأی داد که فشون ایران در تحقیق پلک او نیفودم و متعدد الشکل تشکیل باید و دولت ایران مخارج آنها را متهم شود لیکن دستور مزبور بواقع اجرا گذارده نشد و بهمین جهة منولیت مخارج پلیس جنوب هنوز بهمین ما میباشد (۱) »

تمام فعالیتها و مساعی انگلیس بهای که میخواستند با شرایطی موافق و بمقتضای سیاست و منافع خود زمام پلیس جنوب را در دست دولت ایران بگذاشند در این ایام بی اثر ماند و کابینه مشیرالدوله که از کابینه های پاک آن ایام می بود بالآخره تاریخی هم که سفر نمود (۱۵ صفر ۱۳۳۹ مطابق با ۲۶ اکتبر ۱۹۶۰ و ۵ آبان ۱۲۹۹) بقبول پیشنهادات دولت انگلستان تن در نداد و مأموران دولت هم در جنوب ایران کاملاً مراقب بودند که در تماشها و ارتباط‌ها این که با فرماندهان پلیس جنوب میباشند مدرک و سندی مبنی بر سمیت آن نیرو ندهند چنانکه دکتر مصدق السلطنه که در ۱۹ مهر ماه سال ۱۲۹۹ با باليت فارس انتخاب شده بود تلگرافی از دولت مشیرالدوله در خصوص وضع تلفی و رفتار خود نسبت پلیس جنوب که نکلایف کرد (۲) و منعاقب آن پلیس جنوب رسید نداد و با آن هامکابه نکرد و برای اینکه آنها در مراسم سلام های رسمی حضور نباشد تا مبادا حضور خود را دليل بر رسمی بودن سازمان خویش تلقی کنند اجرای سلام را که در آن ایام در تمام اعیاد مذهبی اتفاق مییافت ترک نمود.

بعد از سقوط کابینه مشیرالدوله ، سپهبد اعظم (فتح الله اکبر) مأمور تشکیل کابینه جدید شد و او نیز فشون جنوبرا بر سمیت شناخت .

بعدین ترتیب فشون جنوب تاخته دوره کابینه سپهبد اعظم که در پایان آن کودنای سوم اسفند پیش آمد بر سمیت شناخته نشد .

ولی چون کودنای سوم اسفند وقوع یافت و بد ضباء الدین حباباطبائی رئیس وزراء شد ، کاری را که انگلیسی ها بارها با مساعی و نیز نگهای خود میخواستند صورت دهنده او لیای بیدار ایران زیر بار نیز فتنه ، او انجام داد ، با این معنی که

#### ۱ - شماره ۷۲۱ سال چهارم روزنامه ایران

۲ - من تلگراف مزبور این است : «اداره پلیس جنوب که از قرار سه هزار نفر است که با وظایها با ایالت مرجع عاتی داشته و دارند و در موقع رسمی و اعیاد هم حاضر میشوند مستدعی است تکلیف معین فرمانده که روابط آنها از چه قرار باید باشد نره ۱۹ میزان » (ص ۸۵ کتاب جربان مشروح دو روز تاریخی ) .

قسمتی از قشون جنوب را بمنظور انتظامات و حفظ امنیت در روز ۱۱ سوت بهاران احضار کرد و با بالت خارس هم تلگرافی تصمیم خود را اطلاع داد و هین آن تلگراف که در حبیقت جزو اسناد ناربیخ نظام ایران میباشد. چنین است :

« تلگراف روز شنبه ۱۲ سوت از تهران به برآز. بالت جبله خارس، برای اطلاع حضرت عالی اعلام میدارد، بفرمانده قشون جنوب امر شده است که پک ستون قشون با تبعیه بعثه ایران اعزام دارند » (۱)

بین ترتیب قشون جنوب، ابواب چهاری دولت ایران تلقی شد.

### معاهده ایران و روسيه :

در اواسط ماه ربیع الثانی ۱۳۳۹ مطابق با اواخر ماه دسامبر ۱۹۲۰ یعنی اوائل تشکیل کابینه سپهبدار، تبعیه مذاکرات میان ایران و روسیه شوروی مکه از چندی پیش بهان آمد و بود ولی بر اثر مساعده و تعلق دولت های وقت به روسیه پنجه قطعی و مطلوب فرمیده بود بلکه موجب تجاوز بلشویک ها به سواحل ایران هم شده بود (۲) بصورت یهان نامه ای بدولت ایران مخابر شد و سپهبدار آزاد مردم چنی مر کب از رجال و سپاهیون با حضور احمد شاه، مطرح نمود و با تفاوت آنها مذکور تغییری در متن آن نصیحه بقول آن گرفته شد و دولت قبول آنرا در ۱۴ آذریع الثانی ۱۳۳۹ مطابق با ۶ زانویه ۱۹۲۱ بوسیله مشاور الملك نماینده ایران رئیس شورای دولت شوروی اطلاع داد.

اما معاهده مذبور وقتی بامضای نماینده کان دولتین رسید که کابینه سپهبدار ساقط و گودتای سوم اسفند علم شده بود و سید خواجه الدین طباطبائی حکومت مینهاد (۳)

در معاهده مذبور که شامل ۲۶ فصل بود دو فصل وجود داشت. سپهبدار طی مفاد آن فصل بیشتر انگلیسی ها را در نظر داشتند که هنوز دولت امیر شوری و ابرسیست نشاخته بودند و آن فصل پنجم و ششم بود و دولت شوروی - جب آن میخواست ایران پایگاه نظامی و مرکز تشکیل نیروهایی برای دولت های بیکانه نباشد و چنانچه چنین وضعیتی رخ دهد و دولت ایران شغما قادر برفع آن ناشدد دولت شوروی مبادرت بهفع آن وضعیت نماید. (۴)

- ۱ - م ۸۶ همان کتاب - این عده بعثه ایران نماینده و در اصفهان متوقف شدند.
- ۲ - شرح این نجائزات را در فصل شانزدهم مبحث چهارم دیدیم با آنچه ارجوع شود
- ۳ - برای مطالعه متن معاهده رجوع شود به کتاب « مجموعه معاهدات بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت خارجی » از انتشارات وزارت امور خارجه ایران.
- ۴ - متن فصول مذبور این است :

فصل پنجم - طرفین ممظمه نماینده تقبل می نمایند که :

- ۱ - از ترکیب و با توقف تشکیلات و با دستجات (کروپ ها) در اسم که (به در پاورتی سمعه بد)

وجود این فصول انگلیسی‌ها را مجبور نمود که فشون خود را از ایران فرا خواسته و پلیس جنوب را هم به رسمیت دولت ایران تحویل دهنده تابهانه ای بدمت.  
روشها بتفنید که وقایع سال ۱۳۳۶ را که بیزمهین بهانه وقوع بافت بود، تجدید کنند. (۱)  
این است که می‌بینیم دولت انگلیس با کاینه سبد ضیاء الدین از در موافق وارد می‌شود و دست از شروط خود در خدمومن تادبه مخارج پلیس جنوب برداشت حاضر

(ج) از باور قن مقدم قبل)

نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و اشخاص مزبوره مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با مالک منعده با روسیه باشد در خاک خود میانست نمایند و هم یعنی از گرفتن افراد قشونی و یا تعجیبات نفرات برای صفوی فشون و یا قوای مسلح تشکیلات مزبوره در خاک خود میانست نمایند. ۲. بکله مالک و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظم باشد نمایند  
اجازه داده شود که بخاک هر بیک از طریق معمظمین متعاهدین تمام آنچه را که مسکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود وارد نموده و یا غورده‌هند. ۳. با تمام وسائلی که بآن دسترس باشد از توقف فشون و یا قوای مسلح مملکت نالت دیگری در صورتی که اختلال برود توقف قوای مزبوره باعث تهدید محدودات و با امنیت متعاهد معظم دیگری می‌شود باید در خاک خود و متعاهدین خود میانست نمایند.

فصل ششم - معرفین معمظمین متعاهدین موافقت حاصل کردند که هر کاه مالک نالتی بخواهند دخالت مسلحه سیاست غاصبانه را در خاک ایران معتبری دارند با خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند و اگر خمنا خطری محدودات دولت جمهوری اتحاد شوروی روسیه و با متعاهدین آنرا تهدید نمایند و اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت شوروی روسیه خودش تنواه این خطر را رفع نمایند، دولت شوروی حق خواهد داشت فشون خود را بخاک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامیرا بعمل آورد. دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از دفع خطر بلادرنک فشون خود را از حدود ایران خارج نماید. (س ۳۴۲ - ۳۴۳ کتاب مجموعه معاهدات . . . )

۱ - در شعبان ۱۳۳۸ در زمان کاینه دوم و توقیف این دولت حکومت شوروی با داداشتی بدولت ایران فرستاد و بوجب آن تقاضا کرده بود: « قوای انگلیس را از خاک خود خارج کنند و الا قوای ساویت از ناچار پایران حمله خواهند کرد » ولی چون دولت ایران در انجام تقاضای آنها کاری نکرد او لین دستجهات بلشویکها در ۹۰ ذی حجه در بندر انزلی (پهلوی امروز) پیاده شدند و ماشیح تجاوزات آنها و اقدامات دولت را در دفع غائله مزبور مختصرآ در فصل فشون متعدد الشکل دیدیم.

میشورد بلیس جنوب بدولت ایران تعویل گردد (۱)

کاینه سید ضباء الدین دو نظر گرفت بود بلیس جنوب خوبه زن و چون انگلیسی ها از جانب افسران ایرانی راندار مری که نقول خردمند همدمت آلمانها بودند « توهی داشتند نیغواستند قشون جنوب بدست ارتش از طرفی هم در همین موقع (از اواسط حوت ۱۲۹۹ تا اوائل حمل ۱۳۰۰) بسته شدند



کاینه سید ضباء الدین

از راست پیغمبر : شهاب الدوّله ویس تنربات سلطنتی - کنال کاظم خان -  
دکتر مودب الدوّله وزیر صنیعه - سید ضباء الدین طباطبائی ویس وزیر امور خارجه  
سلطان احمد شاه - مازور مسعود خان وزیر چنگ - صرزا احمد خان  
مدیر الملک یهم وزیر خارجه - نصرت اللطفه

۱. اهمیت و تأثیر فضول پنجم و ششم معاہده ایران و روس در میان بلیس  
(بنیه دربار فیصله بود)

یک هیأت مستشار نظامی از دولت بادشاھی سویه در میان بود . هنابراین فرار بر این شد چهل نفر از دوست نفر افسران انگلیسی پلیس جنوب تا مدت یک سال در خدمت دولت ایران باشند و بعد اینکه افسران سویه با ایران آمدند صاحب منصب انگلیسی بروند . (۱)

« سید ضیاء الدین - بطوری که میدانید کایته های دولته ما و »

« ملکه ما ر سلطنه ما اجراه تشکیل پلیس جنوب را چند »

« سال قبل از این داده بودند . پس از اینکه من وزیر وزراء »

« شدم یکی از انداماتم این بود که بوزیر مختار انگلیس »

« اظهار کردم من نی توافق پلیس جنوب را تحت اداره »

« انگلیس قبول کنم و باید منع بشود و منظم بازدارمی »

« ایران کردد . »

« زیرا فریزر را به ران اختار کردم (آن وقت )

« مازور فریزر بود ) و جلسه ای در هیئت وزراء تشکیل »

« دادهم و مذاکره کردم و اصولی را با هم موافق شدم »

« که پلیس جنوب نسلیم ایران شود و از باخت مخارج گذشت »

« قبول کردند که دولت انگلستان از ایران ادعای نکند ولی »

« زیرا فریزر گفت که این اراده اداره کی تحويل خواهد گرفت آیا »

« افسرانی طهرانی شما که دیروز همین ایام باشند »

« کنتم نه . من از دولت سویه بتجاه نفر صاحب منصب »

« برای ایران اختار کرده ام که تشکیلات راندارمی ایران »

« را منظم کنم و به آفای علاوه که در آن موقع در لندن »

### ( بقیه پاوره از مفعه پیش )

جنوب از قسمی از حق سید ضیاء الدین که در روز ۱۶ آسفند ۱۳۴۲ در مجلس شورای ملی برای دفاع از اعتبار نامه نهایتی خود ایراد کرده است و ها قسمی از آنرا که با موضوع کتاب ما یعنی داشت در همین مبعث نقل کرده ایم به عویی معلوم میشود . وی میگوید : « گذشت از اینکه با استقلال و سلامت مملکت ما لطفه وارد می آورد ( یعنی پلیس جنوب ) دو بد امر که ما با دولت همچوار شوروی دارای مناسبات حسنه بودیم نی خواستم در ایران دولتیک تشکیلاتی را داشته باشد که دو تحت اداره افسران یک مملکتی باشد که دو آن موقع با دولت شوروی دارای مناسبات حسنه نبودند و همچوگر را نشناخته بودند . » (ص ۳۱ کتاب جریان مشروح دو روز تاریخی ) .

« بودند در این باب نلگرانه افتادند و دادم که بروند باشند که هم »

« و با دولت سوچند داخل مذاکره نبند. گفت خوب حالاً نارهنی »

« که صاحب منصبان بیایند ما چه بیکنیم؟ »

« بین بند و مازور فریزو موافقت حاصل شد »

« همه صاحبمنصبان انگلیسی که دوست نفر بودند بجهل نظر تزل »

« باید و نامد بکمال در خدمت دولت ایران باشد »

« و بجزرد اینکه صاحب منصبان بسوئی با بران آمدند صاحب »

« منصبان انگلیسی مواجب خود را بگیرند و بروند. »

« ذیرا اگر هم خود فریزو آن تکلیف را بمن نبیکرده »

« من نمیدانم چه حکم چون تشکیلات آنها را عارز مخصوصی »

« بود من نمی‌توانم بکفره که در آن موقع امانت جنوب »

« را عهد داد بود بدون سربرست بگذارم و اگرچه چنان »

« عالی ملاقات رسمی با آنها نمی‌کردم (خطاب بدستور مصدق) »

«سلطه است) ولی تشریف داشتن جناحالی در فارس بنشکبه »

« آنها بود، این من بلیس جنوب را این ترتیب متصل کردم. »

« دستور مصدق - احضار مرموط بده. »

« سید ضیاء الدین - متصل کردم و ثبت و باصف آن »

« را هم باصفهان احضار کردم. »

« دستور مصدق - بهران احضار فرمود بده. »

« سید ضیاء الدین - خبر باصفهان احضار کردم و چنان »

« که گفتم علاقه من در انحلال بلیس جنوب به بود. گذشت »

« از اینکه باصفهان و سلامت مملکت ما لطف وارد می‌آورد در »

« در بد و امر که ما با دولت هجروار شوری دارای نامهات »

« حسته شده بودیم نیخواستم در ایران دولت یک تشکیلاتی »

« را داشته باشد که در نعمت اداره ایران بک مملکتش باشد »

« که در آن موقع با دولت شوری دارای نامهات حسته »

« بودند و همیکر را نشانه بودند. »

(از نطق سید ضیاء الدین در جلسه ۱۶ اسفند ۱۳۲۴)

مجلس شورای ملی که اعتبار نامه نمایندگی سید ضیاء الدین

طرح بوده است)

در همین موقع موضوع تحویل بلیس جنوب بدولت ایران و تعلیمه ایران از قوای

انگلیس در مجلس مبعوثان انگلیس هم مطرح شد و مترهارمس ورت در جلسه نهم

ماه مارس ۱۹۴۱ (۱۹ خوت ۱۳۱۹) مجلس میونان اظهار داشت :

« حکومت با هبایت دلت و چهیت قضیه خالع ملاح قشون یا بیمارت دیگر پلیس جنوب ایرانرا مورد دقت قرار داده بود و هلا جطور قطعی نیتوان گفت که آیا نا ۳۱ مارس تخلیه و هب نشینی قشون کامل خواهد شد یا خیر »

لز این بیانات هارمس ورت چنین مستفاد نمیشود که فراد بوده است تا روز ۳۱ مارس (۱۲ فروردین ۱۳۰۰) پلیس جنوب تحويل دولت ایران شود، بخصوص که می ییتم حکومت هندوستان از همین تاریخ (۳۱ مارس) از دادن کمل مخارج پلیس جنوب که تا آنروز دولت انگلستان و حکومت هند مشترک آنرا میرهاخته خودداری کرد (۱) و کلبه مخارج پلیس جنوب بهده دولت انگلستان افتد و این موضوع نبود یکی از علی بود که در انحلال پلیس جنوب کمل نمود.

پسین نحو انگلیسی‌ها باید تیر دو نشانه میزوند؛ یکی اینکه فدون جنوب را رسماً دولت ایران واگذار میکردن و مخارج آنرا پکردن دولت ایران مبانداختنداماً خود بوسیله افسران خویش بر آن نظارت پیدا شنند، پیکراینکه بهانه‌ای بدهست دولت روسیه نمیدادند که فصول پنجم و ششم ماه نامه ۱۹۴۱ (۱۳۰۰ شمسی) را بر نوک سر نیز سربازان خود پیلویزد و آنها را روانه ایران نمایند.

اما این تدبیر جامه عمل نبرشید زیرا گرفتاریها و درهم دینخنگی‌هایی که در اوضاع آنروزها بود وها بنا بر قول لرد کرزن بسب « تردید او لیای دولت ایران » (۲) کایته سود ضباء الدین را مبطالی نداد تا بردهای را که بالا بوده بیل خود نیز پائون آورد و بیک صحت تماشانی خاتمه دهد.

بنابراین موضوع استخدام مستشاران نظامی از موئدمکوت افتد و پلیس جنوب هم هیجان نتحت هدایت و نظر افسران انگلیسی باقی ماند و کایته سود ضباء الدین در ۴ جوزا ۱۳۰۰ (۲۴ مهر ۱۹۴۱ و ۱۷ رمضان ۱۳۲۹) سقوط کرد.

### آخرین تلاش :

دولت انگلیس با سقوط کایته سود ضباء الدین و راکه ماندن موضوع پلیس جنوب از میدان در نرفت و در انتظار فرست منابعی نشد. مصادف با همین تاریخ - هاست که ساز سیاست بدهست سردار سپه افتداده بود و نفعه‌هایی که از آن بمحضات بگوش و طبع انگلیسی‌ها مطبوع و خوش آیند بود.

سردار سپه میخواست قشون ایرانرا یک کاسه کند یعنی زانهارم رقراق و افراد بربگاد مرکزی را در هم ریزد و اجتماعی یک رنگ و یک شکل بازد. ولی آیا این ذکر زائده مفع خود سردار سپه بوده است با نمل وارونه ای بود که انگلیسی‌ها می‌زدند، نمی‌دانیم.

همیقدو میدانیم که انگلیسی‌ها با این شه و رفس آن، هنگریش و داده موافقت و رضایت می‌نمایند و می‌نگریستند و نیز نباید ناگفته بگذاریم که آزادی را که سردار او به از انکار و نیات خوده پاقی میگذاره خواه آن انکار زایده مغزاو بوده است و خواه تراویش فکر دیگران، همه و همه بنفع مصالح و بین‌النیاهی می‌سپاسند انگلیسی‌ها می‌بود منتهی دو غالب موارد مصالح ایران نیز در آن محفوظه می‌شد.  
چنانکه چون کابینه اوله فرام السلطنه روی کار آمد (۱۴ جوزا مطابق با ۲۷ ربستان و ۳۰ آذر) بنابر انصبلی که دو نصلی شون متعدد الشکل دیدیم (۱) بر اثر فشار و اصرار مرداری به بوجب تصرف بیانات وزراه مقرر شد تمام در آمد دولت بادارات فشوی تضمیم داده شود و حاصل امر این است که پول کم آمد و دولت تقاضای بکفره قرض از دولت انگلستان شود، انگلیسی‌ها هم موقع رامناسب دانسته در مقابل پیشنهاد کردند: دولت ایران مستشارانی برای وزارت جنگ و دارایی از کشور انگلستان استفاده ام نمایم مجلس را نیز هر چهار زدتر افتتاح کند نایدین و سبله فشون متعدد الشکل بوجود آید و پلیس جنوب به عنان منضم شود و فرام السلطنه هم مجلس را در ۱۵ هوال ۱۳۲۹ ( مطابق با اول سرمهان ۱۳۰۰ و ۱۶ زون ۱۹۲۱ ) افتتاح کرد اما متأله استفاده ام مستشاران را بیان نیاورده.  
بنابر این آخرین نلاش انگلیسی‌ها بجایی نرسید و این ونگستان هم نگرفت.

### انحلال پلیس جنوب:

بعد از این ولجه انگلیسی‌ها چون دیگر دریافتند که تجهیز پلیس جنوب به دولت ایران صورت حل نخواهد یافت و از طرفی هم می‌دیدند که سرداری هنری ب فشون متعدد الشکل خود را بوجود خواهد آورد، بگزیر انحلال پلیس جنوب اتفاق دهد.  
این بود که لرد کرزن بناریخ ۲۶ ذویه ۱۹۲۱ ( سوم اسد ۱۳۰۰ ) پس یکاه پس از تشکیل مجلس موعود ایران که ذکر می‌کردند شاید در آن، بیشتر آنها جامه عمل پوشیده شود، دو مجلس اهیان انگلستان نطق بالا بلندی راجح بوضع ایران و نظرهای دولت انگلیس نسبت باین مملکت امداد کرد و در آن شرحی هم از وضع و موقع پلیس جنوب اظهار کرد که در پرده هیارات فهمانده پلیس جنوب روزهای آخر عمر خود را می‌گذراند.

- » ... مثله دیگر موقیت حاضره پلیس جنوب ایران بود
- » این قوه در ۱۹۱۶ در تحت ریاست افران هندی
- » و انگلیسی برای حفظ انتظامات در ایالت جنوبی و شرقی
- » فارس و بزد و کرمان تأسیس شده بود.
- » حال اکثراً عده آنها کمتر از شصت هزار نفر است
- » و در روزهای منشعب خود تنها هصر معکسی بوده است

« که در جنوب و مرکز ایران خشم و آرامش را حفظ می‌نموده»  
 « طرق تجارتی را مفتوح نگاه می‌داشت و خدمات مهندسی بدولت»  
 « ایران نبوده است رسن بجزیرت بگوییم که می‌چوست منظور»  
 « ما این بوده است که بک نوای انگلیسی تشکیل داده با»  
 « خواسته باشیم آنست سلطنت را در تحت تصرف راشغال»  
 « خودمان فرار دهیم بلکه برخلاف پلیس جنوب بک فشون»  
 « ایرانی بود و معمور این بوده است که مرکز و نقطه»  
 « فشون آنیه ایران باشد و ما همواره حاضر بودیم این عده»  
 « وا تسليم دولت ایران بسامیم تا ۳۱ مارس امال مخارج»  
 « این عده را دو لین انگلستان و هندوستان مشترکاً میرداختند»  
 « در آن تاریخ دولت هندوستان با وجود تردید او لیای دولت»  
 « ایران دیگر که خرج نداد و دولت انگلستان برای آخرین»  
 « دفعه مخارج آنوه را همه دار شد تا وسائل انحلال این»  
 « عده با در صورت تقابل دولت ایران انتقال آنها بدولت»  
 « ایران فراهم شود . این است وضیت حاضره و وقتی که»  
 « آن کل خرج هم تمام شود این عده مسلماً مجبور با انحلال»  
 « هستند .

« دولت ایران راجع باین قوه موافقت مخصوص»  
 « اختیار کرده است بین میان که کمال مبل را به تحریل»  
 « گرفتن فشون دارد و این میل با بیشنهاد معافیت افسران»  
 « انگلیسی که مأمور اداره و تنظیمات فشون هنر و عدم»  
 « تقابل پرداخت خون آنها همراه است .

« فرد لامبینگن چنین اظهار داشت که دولت ایران از انحلال»  
 « این فوایمناف خواهد گردید . من هم نصویر می‌کنم که این مسئله»  
 « تولیه مراجحتی خواهد شد زیرا هم مبداند که نایج»  
 « آن چه خواهد بود .

« سربازی که از صفت خارج شده است هم فقط در مالک»  
 « شرق پایک در اکثر مالک دزد و فاعل طریق می‌نمود و»  
 « چنانچه دولت ایران راه جرم و احتباط را بیش تکبرد»  
 « طرق تجارتی مجدداً فریبن اغتشاش گردیده و جیان اندھامی»  
 « که با مأمور تجارتی و غیره میردازند در آن فست های»  
 « ایران در معرض مخاطره واقع خواهد شد و در ثانی»  
 « وضعیات هرج و مرچ و انقلاب و عدم انتظامانی که سابقاً»